

• دریافت ۹۴/۰۲/۲۷

• تأیید ۹۴/۱۲/۱

ضرورت تصحیح انتقادی لطایف‌نامه فخری هروی

(نخستین ترجمه مجالس‌النفایس نوایی)

هادی بیدکی*

چکیده

مجالس‌النفایس نوایی یکی از تذکره‌های مهم و دسته اول مربوط به تاریخ ادبیات سده نهم و اوایل سده دهم است که فخری هروی آن را با عنوان لطایف‌نامه در سال ۹۲۸ به فارسی ترجمه کرده و علی‌اصغر حکمت این ترجمه را در سال ۱۳۲۳ با تکیه بر نسخه نخجوانی که در سال ۹۹۲ کتابت شده، چاپ و منتشر کرده است. با مطالعه و مقابله چاپ حکمت و چهار نسخه نویافته از مجالس‌النفایس و لطایف‌نامه که همگی از نسخه نخجوانی معتبر و اقدم هستند، تصحیح انتقادی لطایف‌نامه ضروری و لازم است. زیرا اولاً، در نسخ نویافته شرح احوال حدود ۳۵ شاعر ذکر شده که در چاپ حکمت به آنها اشاره نشده؛ ثانیاً، در نسخ نویافته اطلاعات بیشتری درباره برخی از شاعران و اشعار آنان ثبت شده که در چاپ حکمت به آنها پرداخته نشده؛ ثالثاً، اختلافات و اشتباهاتی در چاپ حکمت نسبت به نسخ نویافته وجود دارد که این اشتباهات اغلب یا مربوط به نام و تخلص شاعران است یا مربوط به احوال و اشعار آنان؛ رابعاً، افتادگی‌هایی در متن برخی از صفحات چاپ حکمت وجود دارد که اغلب این افتادگی‌ها هم مربوط به نام و تخلص شاعران و اشعار آنان است؛ خامساً، مجهولاتی در چاپ حکمت در برخی از معانی عبارات وجود دارد که با نسخ نویافته برطرف‌شدنی است؛ سادساً، در چاپ حکمت میان ترجمه متن ترکی و افزوده‌های مترجم مرزبندی دقیقی ترسیم نشده؛ سابعاً، در چاپ حکمت میان دو ترجمه فخری و قزوینی تناسب و هماهنگی وجود ندارد.

کلید واژه‌ها:

تصحیح انتقادی، لطایف‌نامه فخری، مجالس‌النفایس نوایی، نسخ چهارگانه نویافته.

h.bidaki@gmail.com

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مشهد

مقدمه

تذکره مجالس‌التفایس یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ ادبیات فارسی است که هر مورخ ادبی در نوشتن تاریخ ادبیات سده نهم و اوایل سده دهم نیازمند مراجعه و استفاده از آن است. این تذکره و تذکره الشعرائی دولتشاه سمرقندی از منابع مهم و دسته اول مشتمل بر تاریخ ادبیات فارسی در دو سده نهم و دهم است که تورقی در جلد چهارم تاریخ ادبیات در ایران، تألیف ذبیح‌الله صفا و استفاده مکرر او از این دو تذکره، اهمیت آنها را اثبات می‌کند. تذکره الشعرائی دولتشاه تذکره‌ای عمومی است که از میان شاعران سده نهم و دهم، تنها شرح حال ۴۷ شاعر در طبقه‌های ششم و هفتم و خاتمه آن مذکور است و به تعبیری، تنها حدود یک سوم این تذکره مربوط به شاعران سده نهم و دهم است. در عوض، مجالس‌التفایس نوایی تذکره‌ای عصری است و تخصصاً درباره شاعران سده نهم نوشته شده‌است. امیر علی‌شیر نوایی (۹۰۶-۸۴۴) مجالس‌التفایس را در سال ۸۹۶ به زبان ترکی جغتایی تألیف کرده و حدود ۳۸۵ نفر را که هر کدام به نوعی به فارسی شعر می‌سروده‌اند، در خلال مدخل‌هایی معرفی و در هشت مجلس چنین تنظیم کرده‌است: ۱- شاعرانی (۴۲ نفر) که نوایی اواخر زندگی آنها را درک کرده ولی به دیدار آنها نرفته. ۲- شاعرانی (۹۰ نفر) که نوایی در ایام کودکی یا جوانی به دیدار آنها رفته، ولی زمان تألیف مجالس‌التفایس (سال ۸۹۶) در گذشته بودند. ۳- شاعرانی (۱۳۷ نفر) که یا نوایی به دیدار آنها رفته و یا آنها به دیدار نوایی آمده‌اند. ۴- فضایی (۵۲ نفر) که به سرودن شعر شهرت نداشته ولی گاهی شعر می‌سروده‌اند. ۵- امرا و بزرگان خراسان (۱۹ نفر) که طبع شعر داشته ولی آن را ادامه نداده‌اند. ۶- فضایی غیر خراسانی (۲۸ نفر) که معاصر نوایی بوده و هر کدام دیوان اشعار داشته‌اند. ۷- سلاطینی (۱۶ نفر) که طبع شعر داشته و گاهی شعری به مناسبت می‌سروده‌اند. ۸- شرح احوال و لطایف سلطان حسین بایقرا (حک. ۹۱۱-۸۷۵).

پس از تألیف مجالس‌التفایس، فخری هروی در سال ۹۲۸ آن را با عنوان لطایف‌نامه‌از ترکی به فارسی ترجمه کرد، سپس حکیم‌شاه قزوینی در سال ۹۲۹ دومین ترجمه فارسی آن را به پایان رساند. هر کدام از این مترجمان پس از ترجمه هشت مجلس از مجالس‌التفایس، بخش دیگری هم به پایان آن افزودند. فخری هروی علاوه بر مجالس هشت‌گانه، مجلس دیگری مشتمل بر نه قسم، به آن افزود و در آن به معرفی و احوال نوایی و ۱۸۹ نفر از شاعران معاصر خود که نوایی به آنها اشاره نکرده بود، پرداخت. قزوینی هم مجالس هشت‌گانه را در قالب هفت بهشت تنظیم کرد، سپس بهشت دیگری مشتمل بر دو روضه به آن افزود. در روضه اول به ۷۰ نفر از

شاعران متقدم تا زمان سلطان سلیم عثمانی (حک. ۹۲۶-۹۱۸) پرداخت و در روضه دوم ۸۲ نفر از شاعران زمان سلطان سلیم را معرفی کرد. پس از فخری و قزوینی، سه نفر دیگر مجالس‌النفایس را به فارسی ترجمه کرده‌اند. نخست، شیخ‌زاده فیض‌نیمردانی آن را در سال ۹۶۱ به فارسی برگرداند که تنها نسخه خطی شناسایی شده آن در کتاب‌خانه شخصی سیدمحمد طاهری شهاب در ساری نگهداری می‌شود. سپس، شاه‌علی بن عبدالعلی در اوایل سده ۱۱ ترجمه دیگری ترتیب داده که تنها نسخه شناسایی شده آن در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. در نهایت، میرزا عبدالباقی شریف رضوی متخلص به وفا هم در اواسط سده ۱۳ ترجمه دیگری انجام داده که نسخه خطی آن در کتاب‌خانه مدارس کلکته محفوظ است.

متن ترکی مجالس‌النفایس در سال ۱۹۶۱ توسط سویمه غنی‌آوا در تاشکند، با مقابله چند نسخه خطی تصحیح و چاپ شده است. لطایف‌نامه فخری هم نخستین بار در سال ۱۹۰۸ در تاشکند چاپ شد، سپس چاپ دوم آن به اهتمام دکتر سیدعبدالله بین سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۳۱ میلادی در مجله اورینتل کالج میگزین پاکستان منتشر شد، ولی این دو چاپ بسیار نادر است. پس از مدتی، علی‌اصغر حکمت در سال ۱۳۲۳ شمسی لطایف‌نامه و ترجمه قزوینی را در خلال یک مجلد در تهران به چاپ رساند و تا کنون این کتاب تنها چاپ معتبر و در دست مراجعه است.

آنچه از مقدمه حکمت بر لطایف‌نامه و پاورقی‌های متن برمی‌آید، این است که حکمت در تصحیح این کتاب تنها از یک نسخه فارسی لطایف‌نامه بهره برده، سپس آن را با سه نسخه ترکی از مجالس‌النفایس مقابله کرده است. او نخست متن فارسی لطایف‌نامه را بر اساس نسخه خطی حاج محمدنجوانی تبریز که در سال ۹۹۲ کتابت شده بازنویسی کرده، سپس آن را با نسخه ترکی محمدعلی تربیت که در سال ۹۹۷ کتابت شده و دو نسخه ترکی دیگر که در سال‌های ۱۰۳۰ و ۱۰۵۱ کتابت شده و اکنون در کتاب‌خانه سپهسالار با شماره‌های ۲۷۲۹ و ۱۰۰ نگهداری می‌شوند، مقابله کرده، ولی خود در مقدمه تصحیح خود اقرار کرده که تمام نسخ فارسی و ترکی او مغلوپ بوده و افتادگی داشته است.

لطایف‌نامه از لحاظ زمانی، نخستین ترجمه مجالس‌النفایس است و نثر آن هم نسبت به ترجمه قزوینی که سرشار از تصنع‌گویی‌های خنک سده دهم است، سلیس‌تر و روان‌تر است. مترجم بیشتر از مترجمان دیگر، مانند قزوینی نسبت به متن ترکی پای‌بندتر و تحت‌اللفظی‌تر بوده و تا جایی که توانسته، سعی کرده تا اغلب مطالب کتاب را به فارسی برگرداند. اهمیت این ترجمه و تأثیر آن بر تذکره‌های بعدی نسبت به ترجمه‌های دیگر در حدی است که به جرأت

می‌توان گفت که این ترجمه به اندازه متن ترکی مجالس‌النفایس مورد استفاده تذکره‌نویسان پس از خود بوده‌است. مؤلفان آثاری مانند عرفات‌المشققین، ریاض‌الشعرا، هفت‌اقلیم، خلاصه‌الاشعار و خزینة گنج‌الهی به شدت متأثر از مجالس‌النفایس و لطایف‌نامه بوده‌اند و دامنه این تأثیر به دوران اخیر هم رسیده و نشانه‌های آن را در الذریعه، فرهنگ سخنوران، تاریخ نظم و نثر فارسی و تاریخ ادبیات در ایران می‌توان به وضوح مشاهده کرد.

نویسنده این مقاله پس از مطالعه و بررسی دقیق لطایف‌نامه چاپ حکمت، دریافت که اختلافات و ناهماهنگی‌های بسیاری میان اطلاعات این ترجمه و متن ترکی مجالس‌النفایس، ترجمه قزوینی و حتی تذکره‌های دیگر وجود دارد؛ بنابراین دو نسخه فارسی از لطایف‌نامه و دو نسخه ترکی از مجالس‌النفایس به دست آورد و محتوای آنها را با متن چاپی حکمت مقابله کرد. این چهار نسخه نویافته، همگی از نسخ مورد استفاده حکمت کهن‌تر هستند و مشخصات آنها عبارت است از: نسخه اول لطایف‌نامه موجود در موزه بریتانیا با کتابت ۹۶۵ و نسخه دوم آن موجود در دانشگاه تهران با کتابت ۹۷۹، نسخه اول مجالس‌النفایس موجود در کتابخانه ملی وین با کتابت ۹۰۳ و نسخه دوم موجود در کتابخانه ملی پاریس با کتابت ۹۳۳. دو نسخه بریتانیا و تهران نسبت به نسخه نخجوانی که در ۹۹۲ کتابت شده و مورد استفاده حکمت بوده، از لحاظ زمانی به ترتیب ۲۷ و ۱۳ سال کهن‌تر هستند و دو نسخه ترکی وین و پاریس هم نسبت به کهن‌ترین نسخه ترکی مورد استفاده حکمت، یعنی نسخه تربیت که در ۹۹۷ کتابت شده، به ترتیب ۹۴ و ۶۴ سال کهن‌تر هستند. علاوه بر قدمت زمانی این نسخ، دو نسخه پاریس و دانشگاه پس از کتابت، بازبینی و اصلاح شده، زیرا کاتب نسخه پاریس در پایان علاوه بر مؤلف و کاتب، ناظر را هم دعا می‌کند و در برخی از صفحات نسخه دانشگاه هم حاشیه‌هایی به متن افزوده شده و بالای برخی کلمات هم شکل صحیح آن درج شده‌است. این چهار نسخه نویافته از تمام نسخی که تا کنون از مجالس‌النفایس و لطایف‌نامه در جهان شناسایی شده، کهن‌تر هستند.

نویسنده پس از بررسی چهار نسخه نویافته و کهنی که در دست دارد، مطمئن شد که متن لطایف‌نامه که حکمت آن را چاپ کرده، نسبت به نسخ کهن‌تر فارسی و ترکی، بسیار مغلوط است و کاستی‌های بسیاری دارد. گذشته از افتادگی‌هایی که در برخی از صفحات چاپ حکمت وجود دارد، در نوع ضبط عناوین شاعران و ابیات استشهادی و گاه عباراتی در معرفی هر شاعر اشتباهاتی هست که این اشتباهات بعدها به منابع مرجعی مانند: فرهنگ سخنوران، لغت‌نامه

دهخدا و الذریعه راه یافته‌است. این اشتباهات و رواج آن در منابع دیگر، زمانی روشن‌تر خواهد شد که به نسخ چهارگانه مجالس‌النفایس و لطایف‌نامه و منابع پیشرو و پیرو آنها، مانند: تذکره الشعراء دولت‌شاه، حبیب‌السیر، تحفه سامی و عرفات‌العاشقین مراجعه کنیم. علاوه بر این، ترجمه قزوینی در همان مجلدی که لطائف‌نامه چاپ شده، به شکلی مغلوط تصحیح شده، طوری که همان اشتباهات موجود در لطائف‌نامه به ترجمه قزوینی هم راه یافته و ناهماهنگی این دو ترجمه در یک مجلد، از لحاظ عناوین شاعران و ابیات استشهادی بسیار است.

پس از بررسی نسخ چهارگانه نویافته و مقابله آنها با متن چاپی حکمت روشن شد که اولاً، در نسخ چهارگانه شرح حال حدود ۳۵ شاعر وجود دارد که در متن حکمت نشانی از آنها نیست. ثانیاً، در نسخ نویافته و اقدم اضافاتی در ذیل شرح احوال برخی از شاعران، اعم از ابیات اضافه و اطلاعات زندگانی آنها هست که در متن حکمت وجود ندارد. ثالثاً، در متن حکمت تخلص حدود ۱۵ شاعر افتاده که با نسخ فوق می‌توان آنها را برطرف کرد. رابعاً، تخلص بیش از ۶۰ شاعر در متن حکمت نادرست ثبت شده که با مدد نسخ نویافته، می‌توان آنها را اصلاح کرد. خامساً، بین ترجمه فخری و ترجمه قزوینی که هر دو در خلال یک مجلد چاپ شده‌اند، ناهماهنگی زیادی در ضبط تخلص‌هاست، طوری که تخلص شاعری در یک ترجمه به گونه‌ای است و در ترجمه دیگری به شکلی دیگر و این نشانگر نسخ مغلوط هر دو ترجمه مذکور است که با تصحیح درست متن ترجمه فخری و تخلص‌های شاعران آن، می‌توان تخلص‌های نادرست ترجمه قزوینی را هم در تعلیقات اصلاح کرد.

خلاصه اینکه، مجالس‌النفایس و ترجمه آن، یعنی لطائف‌نامه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین تذکره‌ها و منابع تاریخ ادبیات فارسی سده نهم و دهم است که لازم است بر اساس نسخ نویافته و اقدم و منابع کمکی دیگر، به شکلی منقح و درست همراه با مقدمه و تعلیقات کافی مجدداً تصحیح شود.

در این مقاله از چهار نسخه نویافته با عناوین نسخ چهارگانه یا نسخ نویافته یاد شده و این نسخ چهارگانه بر اساس ترتیب زمانی کتابت و اعتبارشان با علامات اختصاری A(نسخه مجالس‌النفایس وین)، B(نسخه مجالس‌النفایس پاریس)، C(نسخه لطایف‌نامه بریتانیا) و D(نسخه لطایف‌نامه تهران) معرفی شده‌اند.

۲) بحث و بررسی

همان طور که در مقدمه ذکر شد، در این مقاله به کاستی‌ها و اختلافات چاپ حکمت نسبت به نسخ چهارگانه خواهیم پرداخت، سپس به افتادگی‌ها این چاپ اشاره خواهیم کرد. همچنین، مجهولات، عدم دقت در مرزبندی ترجمه متن ترکی و افزوده‌های مترجم و ناهماهنگی دو ترجمه فخری و قزوینی هم بررسی خواهد شد. در ادامه به تک‌تک موارد مذکور می‌پردازیم:

کاستی‌های اجزای متن

با بررسی چاپ حکمت و مقایسه محتوای آن با نسخ چهارگانه، روشن خواهد شد که این چاپ نسبت به نسخ مذکور کاستی‌های فراوانی دارد. این کاستی‌ها که از نسخه نخبوانی که حکمت از آن استفاده کرده، به متن چاپی هم راه یافته، دو دسته هستند؛ دسته اول، مدخل‌هایی است که در چاپ حکمت نشانی از آنها نیست. ولی کل محتوای آنها در نسخ چهارگانه ذکر شده؛ دسته دوم، کاستی‌های مربوط به بخشی از محتوای مدخل‌هاست که در چاپ حکمت وجود ندارد، ولی در نسخ چهارگانه مذکور است. کاستی‌های مربوط به بخشی از محتوای مدخل‌هاست که در نسخ چهارگانه دو بخش؛ بخش اول، شامل مطالب افزوده مربوط به خود شاعران که تنها در نسخ چهارگانه مذکور است و در چاپ حکمت نشانی از آنها نیست. بخش دوم، شامل اشعاری است از برخی از شاعران که در نسخ چهارگانه ذکر شده، ولی در چاپ حکمت وجود ندارد.

کاستی‌های مربوط به کل محتوای مدخل‌ها

نوایی در *مجالس‌التفایس* به هر کدام از شاعرانی که آنها را در اثر خود معرفی کرده، یک مدخل اختصاص داده و در خلال آن مدخل به معرفی هر شاعر و اشعار او پرداخته‌است. مسأله قابل توجه و مهمی که در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی A و B و C و D برجستگی خاصی دارد، این است که در این نسخ گاه مدخل‌هایی درباره شاعران ذکر شده که در چاپ حکمت نشانی از آنها نیست. متن این مدخل‌ها که تعداد آن به حدود ۳۵ عدد می‌رسد، نخست در دو نسخه ترکی ثبت شده، سپس ترجمه آنها در دو نسخه فارسی هم ذکر شده؛ به تعبیری، چاپ حکمت شرح احوال و آثار حدود ۳۵ شاعری را که در نسخ چهارگانه ثبت شده، ندارد و تنها با مطالعه و مقابله این نسخ با چاپ حکمت می‌توان به این مسأله پی برد. برخی از مدخل‌هایی که متن آنها در نسخ چهارگانه ثبت است، ولی در چاپ حکمت ذکر نشده، عبارتند از:

پس از مدخل مولانا خلقی (م ۳، ش ۱۳۴، ص ۸۲)^۱، دو مدخل دربارهٔ دو شاعر به نام‌های میر اسدالله و میر احدالله در نسخ چهارگانهٔ ترکی و فارسی به شرح زیر مذکور است که متن آنها در چاپ حکمت وجود ندارد:

- میر اسدالله. از سمنان است، به طالب علمی به شهر هرات آمد و در مدرسه می‌بود و باز معاودت کرد. این معماً به اسم انس ازوست: «ریزد از چشم تر اهل محبت متصل / آتش هجران او ناچار اشک و خون دل^۲».

- میر احدالله. از بلخ [است]^۳، به تحصیل آمده و طبع نیک دارد. این مطلع ازوست: «ای شب^۴ غم دور از آن شمع جمال سوختی / سال‌ها در وعدهٔ روز وصال سوختی». به اسم پارسا این معما ازوست: «سر پاکان و فرق اهل ادراک / سراسر گشته زیر پای او خاک».

همچنین، پیش از مدخل حافظ شربتی (م ۴، ش ۲۷۵، ص ۹۲)، چند مدخل دیگر هم در نسخ چهارگانهٔ ترکی و فارسی مذکور است که دو مدخل آن دربارهٔ دو شاعر به نام‌های خواجه کمال عودی و علی کرمال عودی به شرح زیر مذکور است که متن آنها هم در چاپ حکمت وجود ندارد:

- خواجه^۵ کمال عودی. مرد ظریف و خوش‌طبع بود و در عود مسلّم زمان خود بود؛ طبعش به شعر مایل. این مطلع ازوست: «همی‌خواهم^۶ ز دیده بر رخت آینه سازم / ز مژگان بهر زلفت عنبرآسا^۷ شانه سازم^۸».

- علی^۹ کرمال. هم^{۱۱} عودی بود، اما به غایت سفیه و بدزبان بود^{۱۲}. مصنّفات خوب دارد. این مطلع ازوست: «کاکلت را که به گرد سر او جان گردد / به سر خود مگذارش که پریشان گردد».

در مجلس نهمی که فخری آن را به ترجمهٔ مجالس هشت‌گانهٔ مجالس‌التفایس افزوده هم چندین مدخل در دو نسخهٔ فارسی C و D ثبت شده که دو مدخل از آنها دربارهٔ دو شاعر به نام‌های مولانا ابلهی و مولانا اخی زه‌گیر تراش پس از مدخل ملا صدقی (م ۹، ش ۴۳۹، ص ۱۵۱)، به شرح زیر مذکور است که متن آنها در چاپ حکمت وجود ندارد:

- مولانا ابلهی. از ولایت تربت است، مرد ندیم و صاحب‌مذاق بوده و با اکثر جوانان از روی ندیمی مصاحب می‌شده و^{۱۳} در تتبّع آن غزل امیر خسرو که «بر جمالش^{۱۴} همچنان من عاشق زارم هنوز [/ ناله‌ای کز درد عشقش داشتم دارم هنوز]^{۱۵}». این مقطّع ازوست: «ترگسش در خواب دیدم از لبش کردم طمع / گفت ای ابله برو بنشین که بیدارم هنوز» و در تتبّع آن غزل

حافظ که «دوش می آمد و رخساره برافروخته بود/ تا کجا باز دل غم‌زده‌ای سوخته بود»^{۱۶}. درویش دهکی هم تتبع کرده‌است و مطلع درویش این است: «لاله‌رویی که ز می‌چهره برافروخته بود/ خواست تا بر دل من داغ نهد سوخته بود». [این مطلع از مولانا ابلهی است: «آتشی دوش غمش در دلم افروخته بود/ دیده گر آب نمی‌ریخت دلم سوخته بود»]^{۱۷}.

– مولانا اخی زه‌گیر تراش. فرزند شهر هرات است و نظمی تخلص می‌کرد، طبعش بسیار نازک واقع شده، این مطلع ازوست: «شدیم خاک رهت گر به درد»^{۱۸} ما نرسی/ چنان رویم که دیگر به گرد ما نرسی».

علاوه بر این شش مدخلی که در بالا به آنها اشاره شد، بیش از ۳۰ مدخل دیگر هم در نسخ نویافته درباره برخی از شاعران مذکور است که متن آنها در چاپ حکمت وجود ندارد؛ برخی از عناوین این مدخل‌ها عبارتند از: درویش حسامی، مولانا زایری، مولانا ضیایی، مولانا نوری، مولانا عینی، استاد محمد اوبهی، خواجه قطب‌الدین، یوسف مهنه، خواجه یحیی، حاجی محمد، شیرم و...

کاستی‌های مربوط به بخشی از محتوای مدخل‌ها

علاوه بر مدخل‌هایی که تمام محتوای آنها در نسخ چهارگانه مذکور است ولی در چاپ حکمت نشانی از آنها نیست، گاه مدخلی هم در نسخ چهارگانه و هم در چاپ حکمت ثبت شده ولی برخی از مطالب مذکور در نسخ چهارگانه در چاپ حکمت وجود ندارد؛ به تعبیری، ذیل برخی از مدخل‌های نسخ چهارگانه مطالب بیشتری نسبت به چاپ حکمت درباره بعضی از شاعران ذکر شده‌است. این مطالب که اغلب افزوده‌های مترجم است، اطلاعات بیشتری درباره شاعران و اشعار آنها در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. بنابراین این افزوده‌ها را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی کرد که افزوده‌های گروه اول مربوط به خود شاعران است و افزوده‌های گروه دوم مربوط به اشعار آنها.

افزوده‌های مربوط به شاعران

در ذیل برخی از مدخل‌های نسخ نویافته، گاه مطالبی درباره شاعران ثبت شده که در چاپ حکمت وجود ندارد. این اطلاعات گاه درباره حرفه و پیشه شاعران است و گاه درباره روابط و خویشاوندی آنها با یکدیگر. گاهی هم اطلاعاتی است درباره اصل و نسب شاعران و یا

ویژگی‌های ظاهری و روحی آنها. برخی از افزوده‌های مربوط به شاعران که در نسخ نویافته ثبت شده ولی متن آنها در چاپ حکمت وجود ندارد، عبارتند از:

- ذیل مدخل مولانا حقیری (م ۳، ش ۲۴۵، صص ۸۵-۸۴) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «نیز از شعرایی است که حالا به گوشه میخانه عشق رسیده و از جام سخنوری جرعه‌ای کشیده، جوانی خوش طبع است و بسیار چاشنی دارد و مولدش شهر هرات است» و در دو نسخه C و D علاوه بر مطالب مذکور، نام مولانا حقیری و پدرش چنین ثبت شده: «مشارالیه محمدی نام داشته، ولد خواجه خدایداد طمغاجی^{۱۹} بوده».

- ذیل مولانا کوکبی (م ۵، ش ۳۳۲، ص ۱۱۱) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «نبیره شیخ بایزید یله است و در مشهد در حظیره آبا و اجداد خود می‌باشد» و در دو نسخه C و D پیشه مولانا کوکبی چنین افزوده شده: «مشارالیه درین اوقات به حرفه زرگری مشغولی می‌نماید».

- ذیل مدخل مولانا حاجی فوطه‌ای (م ۹، ش ۴۴۱، ص ۱۵۱) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «در سمرقند مردی بود فوطه‌فروش، طبع نیک داشت» و در دو نسخه C و D به بیماری مولانا حاجی هم چنین اشاره شده: «در چشم ضعف پیدا کرده بود».

- ذیل مدخل مولانا صافی توزپوش (م ۹، ش ۴۴۴، ص ۱۵۲) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «فرزند هرات است و در کار خود نادر است، به شعر خود اعتقاد تمام دارد» و در دو نسخه C و D مطالبی درباره مولانا صافی چنین افزوده شده: «خود را استاد این فن می‌داند، اما غلط می‌کند... نیز گوشش بسیار گران است؛ چنانچه فریاد می‌کنند، نمی‌شنود؛ کافرماجرا نیز هست»^{۲۰}.

- ذیل مدخل مولانا غیاث‌الدین علی (م ۹، ش ۴۴۵، ص ۱۵۲) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «از شعرای قدیم است و مردی لوند و خوش طبع است» و در دو نسخه C و D پیشه مولانا غیاث‌الدین و نسبت او با مولانا اصیلی چنین افزوده شده: «برادر مولانا اصیلی مشهدی است که ذکر او گذشته، در خراسان کسی به از او ابریشم رنگ^{۲۱} نکرده».

- ذیل مدخل مولانا یوسفی (م ۹، ش ۴۵۷، ص ۱۵۶) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «از اطبای مشهور خراسان است، مردی خوش خلق و جهان‌گشته و صحبت‌دیده است و شعرش پاکیزه» و در دو نسخه C و D درباره آثار مولانا یوسفی چنین افزوده شده: «سه دیوان غزل تمام کرده، اما یکی مشهور نشده».

کاستی‌های مربوط به اشعار شاعران

علاوه بر اضافاتی که در نسخ چهارگانه در محتوای مدخل‌ها وجود دارد و این افزوده‌ها مربوط به شاعران است، گاه مطالب افزوده‌ای در ذیل مدخل‌های نسخ نویافته ثبت شده که این افزوده‌ها مربوط به اشعار شاعران است. در این نسخ گاه بیت یا ابیاتی از برخی از شاعران ذکر شده که در چاپ حکمت نشانی از آنها نیست. برخی از این نوع افزوده‌ها عبارتند از:

- ذیل مدخل ابوالبرکه (م ۶ ش ۳۴۳، صص ۱۱۶-۱۱۵) در چاپ حکمت، هفت بیت از اشعار او به شرح زیر مذکور است: «دیو شیطان صفت ابوالبرکه / باد جایش همیشه در درکه؛ در حسرت می‌ساقی ما کشت بسی را / دوری است که پروای کسی نیست کسی را؛ خشک شد کشت امید ما و شد قحط وفا / ز آتش دل تا در آب چشم ما باران نماند؛ هر چه آید به نزد اهل صواب / به گمان خطاش نکنند / گرفتند نقطه‌ها به زیر و زیر / عقل را پیرو نقط نکنند / هر چه خوانند نیک فکر کنند / یا نخوانند تا غلط نکنند؛ تب غم دارم و درد سر هجران بر سر / آمده جان به لب و نامده جانان بر سر»؛ این در حالی است که در دو نسخه فارسی C و D علاوه بر ابیات فوق، ده بیت زیر هم از ابوالبرکه ذکر افزوده شده: «تا گرفت آتش دل در تن من چون فانوس / دامنم چاک شد و چاک گریبان بر سر / از من بیدل شیدا سر و سامان مطلب / در سر و کار تو کردم سر و سامان بر سر؛ بر من این بیدادها کان نامسلمان می‌کند / کافرم گر هیچ‌کس در کافرستان می‌کند؛ منم درین چمن از بلبلان زار یکی / به زاری دل من نیست از هزار یکی؛ ای شاخ گل چو سرو سهی قد کشیده‌ای / بر لعل لب خطی^{۳۲} ز زمرّد کشیده‌ای / قدت برآمده چو الف مدظله / وز ابروان فراز الف مد کشیده‌ای / بر نام دشمنان زده‌ای قرعه قبول / بر حرف دوستان قلم رد کشیده‌ای / تشویش می‌کشی مکش ای نقش‌بند چین / ناید چو چشم و زلفش اگر صد کشیده‌ای / از دولت وصال فراقی طمع مبر / جور و جفای یار چو بی‌حد کشیده‌ای؛ اظهار آن دهن لب می‌گون یار کرد / راز نهان نگر که شراب آشکار کرد».

- ذیل مدخل مولانا طاهری (م ۳، ش ۲۱۶، ص ۷۹) در چاپ حکمت، از اشعار او این دو بیت مذکور است: «دل که صد پرگاله شد از چشم جادوی توأم / من به یک دل نه به صد دل عاشق روی توأم؛ انگشت بهر عشق چو بر ابروان نهاد / تیری ز بهر کشتن من در کمان نهاد»، ولی در دو نسخه فارسی C و D علاوه بر ابیات فوق، دو بیت زیر هم از مولانا طاهری افزوده شده: «گفتم به از این فکر من بیدل و دین کن / در خنده شد و گفت که فکری به ازین کن؛ چو آب زندگی پیش لبست شرمندگی دارد / نهان مانده ازین شرمندگی تا زندگی دارد» و در حاشیه

نسخه C این بیت هم به مولانا طاهری نسبت داده شده: «باز رفت و گه ز دل گاهی ز جان می‌پرسمش / بس که دارم بی‌خودی از این و آن می‌پرسمش».

- ذیل مدخل مولانا حقیری (م ۳، ش ۲۴۵، صص ۸۵-۸۴) در چاپ حکمت، از اشعار او تنها این بیت مذکور است: می‌روم در گوشه میخانه جا خوش می‌کنم / جام می‌می‌یابم و آنجا فروکش می‌کنم». ولی در دو نسخه فارسی C و D علاوه بر بیت فوق، سه بیت زیر هم از مولانا حقیری افزوده شده: «مزرع گیتی که سرسبز است تخم غم درو / جای آن دارد که نبود آدمی خرم درو / هر چه می‌آید به کف جز مایه اندوه نیست / غیر جام می‌که پیدا نیست نقش غم درو؛ کاشکی برگ خزانی سوی او باد آورد / تا ز رنگ زرد و آه سرد من یاد آورد».

- ذیل دو مدخل ملا کلان معمایی (م ۹، ش ۴۳۶، ص ۱۵۱) و مولانا صدر (م ۹، ش ۴۷۷، ص ۱۵۸) در چاپ حکمت، از اشعار هر کدام تنها یک بیت به ترتیب چنین مذکور است: «دلا چون ره نمی‌یابی به بزم عیش و شادی‌ها / بیا پهلوی من بنشین به کنج نامرادی‌ها» و «چه می‌کنم ز دیاری که نیست یار آنجا / کجاست خاک رهش تا شوم غبار آنجا»؛ این در حالی است که در دو نسخه فارسی C و D علاوه بر ابیات فوق، از ملاً کلان یک بیت و از ملاً صدر سه بیت دیگر چنین افزوده شده: «شدم بر قامت رعناى آن سرو روان مایل / ز عالم غیر بالایش نمی‌خواهم دگر ای دل» و «دردا که درد ما به دواى نمی‌رسد / فریاد می‌کنیم و به جایی نمی‌رسد؛ زان لب به کام دل می‌نابم نمی‌دهی / می‌میرم از خمار و شرابم نمی‌دهی / سروی ولی نمی‌فگنی سایه بر سرم / خضری ولی چه سود که آبم نمی‌دهی».

- ذیل دو مدخل ملاً صدقی (م ۹، ش ۴۳۹، ص ۱۵۱) و هجری اندجانی (م ۹، ش ۴۶۴، ص ۱۵۵) در چاپ حکمت، از هر کدام تنها یک بیت چنین مذکور است: «عرق نشسته ز پندم رخ نکوی تو را / ز من مرنج که می‌خواهم آبروی تو را» و «بر رخ نشسته گرد ملامت بسی مرا / نبود عجب اگر شناسد کسی مرا»؛ این در حالی است که در دو نسخه فارسی C و D علاوه بر ابیات فوق، از هر کدام از دو شاعر مورد نظر یک بیت دیگر هم به ترتیب چنین افزوده شده: «سرم فرود نیاید ز لعل تاج شهان / از آن زمان که به سر می‌کشم سیوی تو را» و «رفتی و می‌رود از پی دل بی‌حاصل من / آن چنان رو مه من کز تو نماند دل من».

اختلافات متن

علاوه بر مطالب افزوده موجود در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی، اختلافات بسیاری هم بین

چاپ حکمت و این نسخ وجود دارد. این اختلافات دو گروه هستند: اختلافات گروه اول مربوط به عنوان مدخل‌ها یا نام و تخلص شاعران است و اختلافات گروه دوم مربوط به محتوای آن مدخل‌ها.

اختلافات مربوط به محتوای مدخل‌ها خود شامل دو دسته است: دسته اول، اختلاف در اطلاعات مربوط به شاعران؛ دسته دوم، اختلاف در صورت اشعار شاعران. هدف از ترسیم اختلافات چاپ حکمت نسبت به نسخ چهارگانه، نمایان کردن ضبط‌های نادرست این چاپ است. گاه این ضبط‌های نادرست به کمک نسخ چهارگانه و منابع دیگر برطرف شدنی است، ولی گاه همان ضابط‌های نادرست در منابع دیگر هم راه یافته‌است.

اختلاف در عنوان مدخل‌ها

یکی از اختلافات رایج میان چاپ حکمت و نسخ چهارگانه، مربوط به عنوان مدخل‌ها یا نام و تخلص شاعران است. بسیاری از عناوین و نام شاعران در *لطایف‌نامه* به دلیل مغلوب بودن نسخه نخبوانی که حکمت از آن استفاده کرده، نادرست ثبت شده و اگر نسخ حکمت معتبر می‌بود و یا چند نسخه دیگر داشت تا آنها را با هم مقابله کند، قطعاً بسیاری از این اشتباهات پیش نمی‌آمد. این اشتباهات گاه به منابع بعد از *مجالس‌النفایس* هم راه یافته، ولی با بررسی نسخ چهارگانه و مدد از منابع دیگر، می‌توان بسیاری از این اشتباهات را برطرف کرد. برخی از اشتباهات مربوط به عنوان مدخل‌ها در چاپ حکمت عبارتند از:

- ذیل مدخل مولانا شرف خیابانی (م ۱، ش ۸، ص ۱۱) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: مرد درویش و نامراد است و همیشه بر سر تاج نم‌نهاد، قورچق می‌پیچید و به مردم نیز آمیزش کمتر می‌بود و بیشتر اوقات به تتبع خمسه مشغولی می‌نمود. واقعاً نسبت به حال خود بد نوشته‌است. در خمسه‌اش در فضیلت عفو این بیت نیک واقع شده‌است: «به نزد کسی کو به دانش مه است / ز مجرم‌کشی جرم‌بخشی به است». این مطلع هم از اوست: «خواهم که چوب تیر شوم تا تو گاه‌گاه / بر حال من به گوشه چشمی کنی نگاه» و در جواب آن بیت حضرت شیخ: «حاصل دریا نه همه دُر بود / یک هنر از آدمی‌ای پر بود» هم نیک گفته: «بی‌هنری مایه صد غم بود / صد هنر از آدمی‌ای کم بود».

عنوان این مدخل در دو نسخه فارسی C و D هم مولانا شرف خیابانی ثبت شده، ولی در دو نسخه ترکی A و B مولانا اشرف ضبط شده و درست هم ضبط دو نسخه اخیر است. این شاعر

در *ریاض‌الشعرا* (۱۳۹۱: ۱ / ۱۴۰) و *مخزن‌الغرایب* (۱۹۹۴: ۱ / ۲۱۰) هم با عنوان درویش اشرف و در *روز روشن* (۱۳۴۳: ۵۲) با عنوان اشرف معرفی شده که هر دو درست است. ولی در *الدَّرِيعَة* (بی‌تا، ۷۸ / ۹، ۵۱۲) و *فرهنگ سخنوران* (۱۳۴۰: ۴۴، ۲۶۹) احتمالاً با تأثر از *عرفات‌العاشقین*، یک بار به درستی با عنوان اشرف مراغی خیابانی و بار دیگر اشتبهاً با عنوان شرف خیابانی معرفی شده‌است.

عرفات‌العاشقین اوحدی بلیانی یکی از تذکره‌های عمومی معروفی است که یکی از منابع مهم آن *مجالس‌التفایس* و *لطایف‌نامه* بوده و مؤلف آن مکرراً به این دو کتاب مراجعه کرده و بسیاری از مطالب آنها را در اثر خود ثبت کرده‌است. به نظر می‌رسد در منابعی که اوحدی از آنها در گردآوری اثر خود استفاده کرده هم اختلاف ضبط میان اشرف و شرف وجود داشته و او بدون اینکه متوجه شود که این دو شاعر در واقع یک نفر واحدند، یک بار مدخلی با عنوان درویش اشرف (۱۳۸۹: ۱ / ۴۶۹) تنظیم کرده و بار دیگر مدخل دومی با عنوان مولانا شرف خیابانی (همان: ۴ / ۲۱۰۳). اوحدی نخست در *غرفة ثانیة* از *عرصة الفیه* در ذکر متوسطین، ذیل مدخل درویش اشرف ذکر کرده که این شاعر با محمد بن بایسنقر میرزا معاصر بوده و او را مجرد مستغنی، بی‌نیاز سنجیده و خوش‌فهم گوشه‌نشین توصیف کرده، سپس یک بیت و یک غزل کامل از او نقل کرده که بیت اول همان بیت «به نزد کسی کو...» و مطلع غزل، همان بیت «خواهم که چوب تیر...» مذکور در *مجالس‌التفایس* است. بار دوم در *غرفة ثانیة* از *عرصة شینیة*، منسوب به متوسطین، ذیل مدخل مولانا شرف خیابانی به نقل از *مجالس‌التفایس* ذکر شده که این شاعر مردی درویش نمدپوش و قورچوق‌پیچ بوده و با مردم کمتر معاشرت داشته و تتبع خمسه می‌کرده، سپس سه بیت از او نقل کرده که بیت اول همان بیت «به نزد کسی کو...»، بیت دوم، همان بیت «بی‌هنری مایه صد...» و بیت سوم همان بیت «خواهم که چوب تیر...» مذکور در *لطایف‌نامه* است که بیت اول و سوم را به درویش اشرف هم نسبت داده بود.

با اندکی تأمل، روشن خواهد شد که این دو شاعر در اصل یک نفر واحدند. زیرا اولاً، از سه بیتی که به شرف خیابانی نسبت داده شده، دو بیت آن برای درویش اشرف هم ضبط شده؛ دوماً، هر دو شخصیت هم درویش‌مسلک و انزواطلب بوده‌اند؛ سوماً، شرف خیابانی از شاعرانی بوده که در زمان زندگانی نوایی (۹۰۶-۸۴۴)، کهن‌سال بوده و در اواسط سده نهم می‌زیسته و درویش اشرف هم با محمد بن بایسنقر (حک. ۸۵۵-۸۴۶) معاصر بوده و هر دو در محدوده زمانی مشترکی بوده‌اند؛ رابعاً، ابوعلی حسین بن حسن مراغی تبریزی، متخلص به اشرف و معروف به

درویش اشرف از شاعران سده نهم و معاصر با بایسنقر و محمد بن بایسنقر بوده. او در آذربایجان می‌زیسته و در سال ۸۵۴ درگذشته‌است. اشرف آثاری به نظم و نثر از خود به جا گذاشته؛ دیوان قصاید و غزلیات او مشتمل است بر چهار بخش: *عنوان الشبّاب*، *خیرالامور*، *باقیات‌الصالحات* و *مجددات‌التجلیات*. مثنوی‌های *خمسه اشرف* که اغلب منابع به آن اشاره کرده‌اند هم عبارتند از: *منهج‌الابرار*، *شیرین و خسرو* یا *ریاض‌العاشقین*، *لیلی و مجنون*، *هفت‌اوزنگ* یا *عشق‌نامه* و *یاسکندرنامه* و یا *ظفرنامه* (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱/ ۳۱۰-۳۰۹؛ ۲/ ۷۸۷) و *صد کلمه امام علی (ع)* را به نظم درآورده‌است. *خمسه اشرف* به زبان فارسی است و اینکه نفیسی آن را به زبان ترکی دانسته (همان: ۲/ ۷۸۷)، نادرست است. یک نسخه از *خمسه اشرف* در دارالکتب قاهره با کتابت ۸۸۵ و ۲۷۶ برگ موجود است. (مبشر طرازی، ۱۹۶۶: ۱/ ۱۳۳).

- ذیل مدخل مولانا نازنینی (م ۲، ش ۸۱، ص ۴۰) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «سبزواری‌الاصل بود. طبع دل‌پذیر داشت. اگرچه عامی بود، اما اشعارش خالی از چاشنی نیست...» ولی این مدخل در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی به درستی با عنوان مولانا زینی ضبط شده‌است. این شاعر در *عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۳/ ۱۶۹۳) و *روز روشن* (۱۳۴۳: ۳۳۴) اشتباهاً با عنوان زینتی سبزواری و در *ریاض‌الشعرا* با عنوان زینتی استرآبادی (۱۳۹۱: ۱/ ۶۱۷) معرفی شده، ولی درست همان زینی است که در پاورقی *عرفات‌العاشقین* به آن اشاره شده و در رکن سوم خلاصه‌الاشعار هم زینی سبزواری ضبط شده‌است (← گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/ ۵۲۷). شاعر مذکور در *التّریعه* (بی‌تا: ۹/ ۱۱۵۲) و *فرهنگ سخنوران* هم (۱۳۴۰: ۵۸۶) با تأثر از چاپ حکمت، اشتباهاً با عنوان مولانا نازنینی معرفی شده‌است.

- ذیل مدخل مولانا عاشقی (م ۲، ش ۸۶، ص ۴۱) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «از شهر هرات بود و قصیده را پخته می‌گفت و در فرصتی که سلطان ابوسعیدمیرزا عمارت آق‌سرای تمام کرد...» ولی این مدخل در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی به درستی با عنوان مولانا عاشقی ضبط شده‌است. این شاعر در *عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۵/ ۲۹۴۵)، *تذکره حسینی* (۱۲۹۲ق: ۲۰۹)، *روز روشن* (۱۳۴۳: ۵۴۹) و *فرهنگ سخنوران* (۱۳۴۰: ۳۹۳) نیز به درستی با عنوان مولانا عاشقی معرفی شده، ولی در *التّریعه* یک بار به درستی با عنوان مولانا عاشقی هروی (بی‌تا، ۹/ ۷۲۳) و بار دیگر اشتباهاً با عنوان عاشقی هروی (همان: ۶۷۳) ذکر شده‌است.

- ذیل مدخل مولانا سعدی (م ۲، ش ۹۳، صص ۴۴-۴۳) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «از مشهد بود و کاسه‌گری می‌کرد. این مطلع ذوقافیتین از اوست... و فقیر را این بیت او از

مطلع خوش‌تر می‌آید...» ولی این مدخل در نسخ A و B و C به درستی با عنوان مولانا سعیدی و در نسخه D اشتهاً مولانا سعیدی ضبط شده‌است. این شاعر در *عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۳/ ۱۸۴۰) هم به درستی با عنوان مولانا سعیدی مشهودی ثبت شده، ولی بیت دوم مذکور در *لطایف‌نامه اشتهاً* به سعد مشهودی (همان: ۱۸۴۱) نسبت داده شده، در حالی که این بیت دنباله بیت اول سعیدی است که با آن هم‌وزن و هم‌قافیه است. شاعر مذکور در روز روشن (۱۳۴۳: ۳۵۹) به درستی با عنوان سعیدی کاسه‌گر ضبط شده، ولی در *الذریعه* یک بار اشتهاً با عنوان سعیدی مشهودی (بی‌تا، ۹/ ۴۵۰) و بار دیگر به درستی با عنوان سعیدی کاسه‌گر (همان: ۴۵۳) و در فرهنگ *سخنوران* هم اشتهاً، با عنوان سعیدی مشهودی (۱۳۴۰: ۲۶۹) معرفی شده‌است.

- ذیل مدخل مولانا خاتمی (م ۲، ش ۱۱۴، ص ۴۹) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «از خدماتی خواجه کوسوئی بود و درویشی تمام داشت...» ولی این مدخل در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی به درستی با عنوان مولانا خاکی ضبط شده و در *عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۲/ ۱۲۹۴) و *خلاصه‌الاشعار* (← گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/ ۵۲۷) و *ریاض‌الشعرا* (۱۳۹۱: ۱/ ۴۹۷) هم مولانا خاکی ثبت شده ولی در *الذریعه* یک بار اشتهاً با عنوان خاتمی کوسوئی (بی‌تا، ۹/ ۲۲۷) و بار دیگر به درستی خاکی کوسوئی (همان: ۲۸۳) ضبط شده و در فرهنگ *سخنوران* هم نخست، اشتهاً با عنوان خاتمی کوسوئی (۱۳۴۳: ۱۷۹) ضبط شده، سپس ارجاع داده شده به خاکی کوسوئی (همان: ۱۸۳). همچنین، در *لطایف‌الطوایف* (۱۳۵۲: ۲۳۶) هم شاعر مذکور به درستی با عنوان خاکی ثبت شده و داستانی هم درباره او ذکر شده‌است.

- ذیل مدخل مولانا قبولی (م ۳، ش ۱۴۷، ص ۶۴) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «از ولایت ترشیز بود و مردی ندیم‌شویه و حکمت‌شعار بود و در مجالس به مثالش و نظیر آوردن نظیر و مثال نداشت...». ولی این مدخل در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی به درستی با عنوان مولانا مقبلی ضبط شده و هر چند در *عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۶/ ۳۹۶۰) مقبل ترشیزی ثبت شده، ولی صحیح همان مقبلی است. این شاعر در *الذریعه* یک بار اشتهاً با عنوان قبولی ترشیزی (بی‌تا: ۹/ ۸۵۷) و بار دیگر به درستی با عنوان مقبلی ترشیزی (همان: ۱۰۸۸) ضبط شده و در فرهنگ *سخنوران* هم نخست اشتهاً با عنوان قبولی ترشیزی (۱۳۴۰: ۴۶۸) معرفی شده، سپس ارجاع داده شده به مقبلی ترشیزی (همان: ۵۵۹).

اختلافات بسیار دیگری درباره عناوین و تخلص شاعران بین چاپ حکمت و نسخ چهارگانه و منابع دیگر وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: مولانا علی آسی (م ۱، ش ۲۱، ص ۱۷)،

مولانا روحی یازری (م ۱، ش ۱۸، ص ۱۵)، مولانا فصیح رونی (م ۲، ش ۵۹، ص ۳۲)، مولانا واله (م ۲، ش ۸۳، ص ۴۰) و...

اختلاف در محتوای مدخل‌ها

علاوه بر اختلافات مربوط به عنوان مدخل‌ها با نام و تخلص شاعران در چاپ حکمت و نسخ چهارگانه، گروه دیگری از این اختلافات مربوط به محتوای مدخل‌هاست. اختلافات این گروه دو دسته هستند: دسته اول، اختلافات مربوط به شاعران و دسته دوم، مربوط به اشعار آنان.

اختلافات مربوط به شاعران

از میان مطالبی که در چاپ حکمت ذیل مدخل‌ها درباره هر شاعر مذکور است، گاه در بخشی از این مطالب اختلافاتی میان نسخ چهارگانه وجود دارد. این اختلافات اغلب مربوط به اسامی اشخاص، اسامی مکان‌ها و موارد دیگر است که در اینجا به برخی از اختلافات مربوط به اسامی مکان‌ها اشاره شده:

- در چاپ حکمت، جمله پایانی مدخل مولانا امیری (م ۱، ش ۲۸، ص ۱۹) چنین ذکر شده: «قبرش جانب بدخشان در ارهنگ و سر است» ولی به جای «ارهنگ و سر»، در دو نسخه A و C «ارهنگ سرای»، در نسخه B «ارهنگ و سرای» و در نسخه D «ارسنگ و سر» ثبت شده است. «ارهنگ» اسم مکان و یکی از دهات بدخشان است و در آنجا زیارت‌گاهی است که به اعتقاد مردم آنجا، سر امام حسین (ع) در آنجا مدفون است و آن را ارهنگ حسین هم می‌نامند (— مؤید/فضلا، ذیل «ارهنگ»: لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۸۰). بنابراین، آنچه در نسخ A و C با عنوان «ارهنگ سرای» مذکور است، درست‌تر به نظر می‌رسد و احتمالاً شکل دیگری از «ارهنگ سر حسین» است. در دیگر تذکرها به مکان فوت مولانا امیری اشاره نشده است.

- ذیل مدخل شیخ صدرالدین رواسی (م ۲، ش ۴۹، ش ۲۸) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «در شهر هرات از عالم رفت و نعش او را به ولایت شغان بردند و آنجا مدفون است». در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی هم کلمه «شغان» مطابق با چاپ حکمت ضبط شده ولی مدخل دیگری در چاپ حکمت با عنوان مولانا محمدعلی شغانی (م ۱، ش ۲۳، ص ۱۷) ثبت شده که کلمه «شغان» در دو نسخه ترکی A و B مطابق با چاپ حکمت است. ولی در دو نسخه فارسی C و D به صورت «شقان» ذکر شده است. این کلمه نام ولایتی است که در نزهة القلوب چاپ

لیسترنج (۱۹۱۳: ۱۵۰) و چاپ دبیرسیاقی (۱۳۳۶: ۱۸۵-۱۸۴) درباره آن چنین بیان شده: «جاجرم از اقلیم چهارم است... شقان شهری وسط است و بیست پاره دبه از توابع آن است و از اقلیم چهارم [یعنی جاجرم] است». همچنین در چاپ لیسترنج (۱۹۱۳: ۱۹۷) چنین افزوده شده: «کوه شقان به خراسان به حدود جاجرم در آن کوه شکافی است...».

در تاریخ جهانگشای (۱۳۸۵: ۳/ ۲۶۲) هم به ولایتی اشاره شده که صورت نوشتاری آن بسیار مشابه با کلمه «شقان» است. ولی نقطه‌های آن در نسخ خطی پاک شده و قزوینی در تعلیقات کتاب مذکور (همان: ۴۲۸-۴۲۷) درباره این کلمه بی‌نقطه چنین ذکر کرده: «... ما بین قوچان و بسطام... هیچ موضع دیگری نمی‌تواند باشد جز شقان... ما بین بجنورد و جاجرم... اکنون شغان... و شوغان... نویسند... بلوک شقان و جلگه شقان و رود شقان نامند و بلوک مذکور دارای ده دوازده پارچه ده است از قرار ذیل: قصبه شقان، طُور، برزانلو... دریند، رباط جق...».

در تذکره‌الشعرای دولت‌شاه هم (۱۳۱۸: ۵۴) به ولایت مورد نظر چنین اشاره شده: «رباط عشق که در جنب دریند شقان است و بر سر راهی واقع است که از خراسان به جرجان و استرآباد می‌روند...».

با تأمل در توضیحات فوق، چنین به نظر می‌رسد که صورت نوشتاری کهن ولایت مورد بحث، حداقل تا زمان نگارش نزهة‌القلوب در سال ۷۴۰، به صورت شقان بوده، ولی با گذر زمان این صورت نوشتاری به شغان تبدیل شده و نویسنده این مقاله که اهل استان خراسان شمالی است و منطقه شقان هم اکنون جزء این استان است، شخصاً پیش از این به این منطقه سفر کرده و نام آن را در نقشه‌ها و تابلوهای آنجا به شکل‌های شغان، شوغان، شقان و شوقان مشاهده کرده‌است. از میان نسخ چهارگانه هم نام این منطقه در مدخل محمدعلی شغانی در دو نسخه فارسی C و D مطابق با صورت نوشتاری کهن که درست‌تر هم هست، ضبط شده و در دو نسخه ترکی A و B مطابق با صورت نوشتاری متأخرتر.

- ذیل مدخل ملاً محمد بدخشی (م ۴، ش ۲۸۳، ص ۹۵) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «از قریه اشکمیش است که در نواحی ولایت قندر است»، ولی به جای «قندر»، در نسخه ترکی A «قندوز» و در نسخ B و C و D «قندز» ضبط شده؛ همچنین، به جای «اشکمیش»، در نسخه C «اشکیش» و در نسخه D «اشکمش» ثبت شده که از میان این ضبط‌ها، اشکمش و قندز درست‌تر و در منابع دیگر هم مذکور است. قندز به نقل از مؤلف هفت/اقلیم (۱۳۸۹: ۲/ ۶۱۰)، ولایتی است در شمال کابل و زادگاه بدخشی هم (همان: ۲/ ۶۰۹) در همین کتاب

اشکمش ضبط شده‌است. در منابع تاریخی و جغرافیایی ولایتی با عنوان قندر یا اشکمش ثبت شده و در فرهنگ سخنوران (۱۳۴۰: ۵۱۹) هم زادگاه بدخشی با تأثر از چاپ حکمت، اشتباهاً اشکمش ضبط شده‌است.

قابل ذکر است که مدخل دیگری با عنوان مولانا قبولی قندری (م ۳، ش ۷۸۳، ص ۷۲) در چاپ حکمت ذکر شده که صورت درست «قندز» در این عنوان هم اشتباهاً «قندر» ضبط شده و این اشتباه در فرهنگ سخنوران (۱۳۴۰: ۴۶۸) و الذریعه هم (بی‌تا، ۸/ ۸۷۵) راه یافته؛ این در حالی است که در دو نسخه ترکی A و B، ترجمه قزوینی از مجالس‌النفایس (ب ۳، ش ۱۶۷، ص ۲۴۲) و تذکره عرفات‌الماشوقین (۱۳۸۹: ۱۳۴۰/۶) نام ولایت مذکور به صورت «قندوز» ثبت شده و در نسخه فارسی C «قندز»، ولی در نسخه D اشتباهاً به صورت «قیدی».

- ذیل مدخل ملاً رئیس (م ۹، س ۴۵۹، ص ۱۵۵) در چاپ حکمت، چنین مذکور است: «از قریه شاخت است از بلوک قاین». ولی به جای «شاخت» در دو نسخه فارسی C و D «شاخن» ثبت شده و این سرزمین همان طور که در لطایف‌نامه هم ذکر شده، ولایتی است در اطراف قاین که در نزهه‌القلوب مستوفی، چاپ دبیرسیاقی (۱۳۳۶: ۱۷۷) به صورت شاخن و در چاپ لیسترانج (۱۹۳۱: ۱۴۴) به صورت شاخین در ردیف بیرجند و خوسف ذکر شده است. زادگاه رئیس در عرفات‌الماشوقین (۱۳۸۹: ۳/ ۱۳۶۳)، الذریعه (بی‌تا: ۹/ ۳۵۴) و فرهنگ سخنوران (۱۳۴۳: ۲۲۳) هم اشتباهاً «شاخت» ضبط شده. ولی در پاورقی عرفات‌الماشوقین به «شاخین» اشاره شده‌است. خسروی قاینی (قهستانی و گنابادی) هم به نقل از گلچین معانی (۱۳۶۹: ۱/ ۳۷۳-۳۷۲)، از قریه شیرخواند بلوک شاخن بوده‌است.

اختلاف در اشعار شاعران

علاوه بر اختلافات مربوط به شاعران در محتوای مدخل‌ها، گاه در چاپ حکمت و نسخ چهارگانه، صورت اشعاری که از هر شاعر هم ذکر شده با هم اختلاف دارد. این اختلافات اغلب مربوط به حوزه معنایی اشعار است و برخی از آنها عبارتند از:

- ذیل مدخل مولانا زاهدی (م ۱، ش ۲۷، ص ۱۸) در چاپ حکمت، بیتی از او چنین ذکر شده: «زهره را جنگ باریاب که داد/ لعل در سنگ یا رب آب که داد». اگر منظور از کلمه «باریاب» در مصراع اول «با رباب» باشد که اشتباه چاپ شده، بنابراین معنای مصراع این است که: «چه کسی میان زهره و رباب جنگ انداخته». این در حالی است که این مصراع در نسخ

چهارگانه ترکی و فارسی چنین ثبت شده: «زهره را چنگ یا رباب که داد» و در *عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۳/ ۱۶۴۹) چنین: «... چنگ با رباب...». معنای ضبط نسخ چهارگانه و *عرفات‌العاشقین* به هم نزدیک است و آن اینکه: «چه کسی به زهره چنگ یا [و] رباب داده [تا بنوازد]». ستاره زهره یا ناهید در ادبیات فارسی مظهر خنیاگری و شادی است و آن را مطرب فلک هم دانسته‌اند و در اشعار بسیاری از شاعران مانند حافظ شیرازی هم به این موضوع چنین اشاره شده: «بیاور می که نتوان شد ز مکر آسمان ایمن / به لعب زهره چنگی و مریخ سلحشورش» (*لغت‌نامه دهخدا*، ۱۳۸۰) و به نظر می‌رسد که طبق ضبط نسخ چهارگانه و *عرفات‌العاشقین*: «چنگ یا [و] رباب را به زهره دادن [برای نواختن]» از لحاظ معنایی به ذهن نزدیک‌تر است تا طبق ضبط حکمت: «بین زهره و رباب چنگ دادن».

- ذیل مدخل خواجه ابواسحاق (م ۲، ش ۷۲، ص ۳۷) در چاپ حکمت، بیتی از او چنین ذکر شده: «کشید از دست ما صحرای خاور دامن گل‌ها/ به صحرای قیامت دست ما و دامن صحرا» ولی مصراع نخست این بیت در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی چنین ثبت شده: «کشید از دست ما صحرای خاور دامن گل را» و در *عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۱/ ۴۳۵) چنین: «... دامن آن گل». پایان مصراع مورد نظر هر چند در چاپ حکمت، نسخ چهارگانه و *عرفات‌العاشقین* متفاوت است، ولی هیچ‌کدام اشکال وزنی ندارد. علاوه بر اینکه ضبط نسخ چهارگانه به دلیل تقدّم زمانی بر دیگر ضبطها ارجح است، مقصود شاعر طبق ضبط نسخ چهارگانه و حتی ضبط *عرفات‌العاشقین* بهتر و روشن‌تر بیان شده؛ به نظر می‌رسد که منظور شاعر طبق این دو ضبط این است که: صحرای خاور دامن گل یا آن گل را [یعنی معشوق را] از دست ما بیرون کشید، نه اینکه: صحرای خاور دامن گل‌ها [یعنی معشوقان و یا گل‌های بیابان را] از دست ما بیرون کشید.

- ذیل مدخل ملاً شهاب (م ۹، ش ۴۶۹، ص ۱۵۶) در چاپ حکمت، بیتی از او چنین ذکر شده: «یاران حذر کنید که بدهید دل ز دست/ کان شه‌سوار بر فرس دل‌بری نشست» ولی مصراع نخست این بیت در دو نسخه C و D به درستی چنین ثبت شده: «یاران حذر کنید که ندهید دل ز دست» و ضبط *عرفات‌العاشقین* هم (۱۳۸۹: ۴/ ۲۱۵۹) مشابه با نسخ چهارگانه است. شاعر طبق ضبط نسخ چهارگانه و *عرفات‌العاشقین* قصد دارد که یاران خود را از شیفتگی نسبت به معشوق و از دست دادن دل بر حذر دارد. بنابراین بایستی فعل به صورت نهی (ندهید) به کار رود، نه امر (بدهید). زیرا قصد شاعر تحذیر است نه ترغیب.

- ذیل مدخل سیدحکیمی (م ۹، ش ۳۹۳، ص ۱۳۸) در چاپ حکمت، بیتی از او در پیروی از این مصراع امیر شاهی: «ما حق شناس پیر مغانیم و دیر او»، چنین ذکر شده: «ماییم و کنج میکند و پیر دیر او / دیگر کجا رویم که داریم غیر او»؛ این در حالی است که در دو نسخه C و D مصراع نخست بیت حکیمی چنین ثبت شده: «ماییم و پیر میکند و کنج دیر او». ولی در عرفات‌العاشقین هم (۱۳۸۹: ۲ / ۱۱۷۴) صورتی که با دو نسخه نویافته مطابق است در پاورقی ذکر شده و متن بر اساس چاپ حکمت ثبت شده است.

طبق ضبط حکمت «میکده» که غیر انسان است، در مصراع مورد بحث، مرجع ضمیر سوم شخص «او» است و طبق ضبط نسخ چهارگانه و عرفات‌العاشقین مرجع آن «پیر» که انسان هم هست. اگر ضبط حکمت را با مرجع ضمیر مذکور بپذیریم، بنابراین مصراع مورد نظر چنین معنایی دارد: «از این به بعد سر و کار ما با کنج میکند و پیری است که در دیر میکند است». ولی در میکند دیری وجود ندارد که پیری در آنجا باشد و آن دیر در داخل میکند. اگر ضبط نسخ چهارگانه و عرفات‌العاشقین را بپذیریم، پیچیدگی معنایی مصراع چنین باز خواهد شد که: «از این به بعد سر و کار ما با پیر میکند و کنج دیر آن پیر است [یعنی کنج دیری که همان میکند است و آن میکند متعلق به پیر است]».

- ذیل مدخل خواجه ابوالقاسم (م ۹، ش ۴۱۵، ص ۱۴۵) در چاپ حکمت و به تبع آن در عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۱ / ۴۱۲) بیتی از او چنین ذکر شده: «گر بی‌رخت سوی چمن بهر تماشا بنگرم / هر برگ گل خاری شود در چشم من تا بنگرم». ولی مصراع دوم این بیت در دو نسخه فارسی C و D چنین ثبت شده: «هر برگ گل خاری شود در چشم من تا ننگرم».

پر واضح است که منظور شاعر در مصراع دوم بیت مذکور، طبق ضبط نسخ نویافته این است: زمانی که بدون حضور معشوق به طرف چمن نگاه می‌کنم [و به سیر و تماشای چمن می‌پردازم]، هر برگ گل تبدیل به خاری شده [و در چشم من فرومی‌رود] تا [برای اینکه] به سوی چمن یا آن گل نگاه نکنم؛ این در حالی است که منظور شاعر طبق ضبط چاپ حکمت و عرفات‌العاشقین چنین است: زمانی که بدون حضور معشوق به طرف چمن نگاه می‌کنم، هر برگ گل تبدیل به خاری شده به سوی چمن یا آن گل ننگرم. روشن است که تبدیل برگ گل به خار برای منع شاعر از دیدن است، نه ترغیب یا کمک به او در دیدن. مفهوم مورد نظر در اشعار شاعران دیگری، مانند ابیات عمادالدین نسیمی: «جز روی دل‌آرای تو ای سرو گل‌اندام / خار است به چشم من گر همه ورد است» و عارف قزوینی: «به چشم من همه گل‌های گلستان

چون خار/ خلد گر به تماشای گل نظر فکنم» ذکر شده (درج ۳، ۱۳۹۱) و در آنجا هم برگ گل عاملی است برای منع شاعر از دیدن.

- ذیل مدخل مولانا آگهی (م ۹، ش ۴۰۴، ص ۱۴۳) در چاپ حکمت، بیتی از او چنین ذکر شده: بعضی از مردم والی ملک را بر آن داشتند که قطع زبان او کرد... در حین قطع زبان این مطلع را گفت: «چو لاله جیب من از تیغ یار غرقه به خون شد/ زبان برید چو شمع ولی زبانه برون شد». ولی در دو نسخه C و D و عرفات/العاشقین هم (۱۳۸۹: ۱/ ۴۸۶) به صورت درست‌تر چنین ثبت شده: «زبان بریده چو شمع ولی زبانه فزون شد». اختلاف این دو ضبط در کلمه «برون» و «فزون» است که شاعر بریده شده زبان خود را در مصراع دوم به قطع کردن بخش سوخته فتیله شمع همانند کرده‌است. بنابراین، منظور شاعر طبق ضبط نسخ نویافته و عرفات/العاشقین این است که همان طور که با بریده شدن بخش سوخته فتیله شمع، نور و شرار آن افزون می‌شود، با بریدن زبان شاعر هم سخنوری و سرودن او پایان نپذیرفته، بلکه افزون خواهد شد. ارجح دانستن کلمه «فزون» بر «برون»، به این دلیل است که با بریدن فتیله شمع زبانه آن افزون می‌گردد، نه اینکه برون گردد. برخی از شاعران دیگر هم، مانند خاقانی در بیت «تو را چو شمع ز تن هر زمان سری روید/ سری که درد سر آرد بریدن است دوا» و نظامی در بیت «شمع از سر درد سر کشیدن/ به گردد وقت سر بریدن» به این ماجرا اشاره کرده‌اند (درج ۳، ۱۳۹۱).

اختلافات بسیار دیگری در صورت ضبط اشعار در چاپ حکمت و نسخ چهارگانه وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: مدخل‌های مولانا محمدعالم (م ۱، ش ۱۶، ص ۱۵)، مولانا سلیمانی (م ۱، ش ۳۴، ص ۳۱)، مولانا طوطی (م ۲، ش ۵۶، ص ۳۱)، میر محمد میر یوسف (م ۹، ش ۳۸۹، ص ۱۳۷)، امیر شریفی (م ۹، ش ۳۹۶، ص ۱۳۹) و...

افتادگی‌های اجزای متن

در برخی از صفحات چاپ حکمت جای بعضی از کلمات و عبارات خالی است و این افتادگی‌ها از نسخه نخبوانی که حکمت از آن استفاده کرده، به متن چاپی راه یافته‌است. افتادگی‌ها چاپ حکمت در جای‌جای کتاب قابل مشاهده است و به طور کلی این افتادگی‌ها دو دسته هستند: دسته اول، افتادگی‌های مربوط به عنوان مدخل‌ها یا نام و تخلص شاعران؛ دسته دوم، افتادگی‌های مربوط به اشعار شاعران. با بررسی و مقابله نسخه چهارگانه و چاپ حکمت می‌توان

افتادگی‌های مذکور به شرح زیر برطرف کرد:

افتادگی‌های مربوط به تخلص شاعران

در برخی از صفحات چاپ حکمت جای تخلص بعضی از شاعران خالی است و چند نقطه گذاشته شده‌است. این نوع افتادگی‌ها در بخشی از مجلس سوم (صص ۷۲-۷۰) برجسته‌تر است و جای تخلص شاعرانی که در شماره‌های ۱۸۲-۱۷۳ معرفی شده‌اند غیر از شماره ۱۷۸، خالی است. برخی از این افتادگی‌ها عبارتند از:

- مولانا... (م ۳، ش ۱۷۳، ص ۷۰) هم از مشهد است. این مطلع ازوست: «کاش پیوسته بود آینه پیش نظرش/ تا نظر جانب اغیار نیفتد دگرش». این مدخل در دو نسخه ترکی A و B و نسخه فارسی C و تذکره‌های عرفات/العاشقین (۱۳۸۹: ۷/ ۴۵۵۱) و ریاض‌الشعرا (۱۳۹۱: ۲/ ۱۶۲۶) با عنوان مولانا وفایی ثبت است. ولی در نسخه D اشتباهاً مولانا حبیب ضبط شده‌است.

- مولانا... (م ۳، ش ۱۷۴، ص ۷۰) هم از مشهد است، طبع نیک دارد. این مطلع ازوست: «چه گویم حال دل با تندخوی نازپروردم/ چو آثار محبت ظاهر است از چهره زردم». این مدخل در دو نسخه ترکی A و B و نسخه فارسی C و تذکره عرفات/العاشقین (۱۳۸۹: ۲/ ۱۱۴۵) با عنوان مولانا حبیب ثبت است. ولی در نسخه D اشتباهاً مولانا قرانی ضبط شده‌است.

- مولانا... (م ۳، ش ۱۷۵، ص ۷۰) هم از ظرفای مشهد است، این مطلع ازوست: «گرچه مجنون ز غم عشق دل پر خون داشت/ لیک حالی که مرا هست کجا مجنون داشت». این مدخل در دو نسخه ترکی A و B و تذکره‌های عرفات/العاشقین (۱۳۸۹: ۶/ ۳۴۱۲) و ریاض‌الشعرا (۱۳۹۱: ۲/ ۱۲۰۵) و روز روشن (۱۳۴۳: ۶۵۴) با عنوان مولانا قرانی ثبت است. ولی در دو نسخه فارسی C و D چنین مدخلی وجود ندارد.

- مولانا... (م ۳، ش ۱۷۷، ص ۷۱) هم از مشهد است و خط نستعلیق را نیک می‌نویسند. این مطلع ازوست: «من ژولیده‌مو با عقل از آن بیگانگی دارم/ که در عشق پری‌روی سر دیوانگی دارم». این مدخل در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی و تذکره‌های ریاض‌الشعرا (۱۳۹۱: ۲/ ۱۰۷۱) و روز روشن (۱۳۴۳: ۶۳۸) با عنوان مولانا فنایی ثبت است، ولی در عرفات/العاشقین (۱۳۸۹: ۵/ ۳۱۹۵) به جای فنایی اشتباهاً فتاوی ضبط شده‌است.

- مولانا... (م ۳، ش ۱۷۹، ص ۷۱) هم از مشهد است و به اسم «ایل» این معماً ازوست: «مرا مهر مه نامهربانی/ نمی‌گردد جدا از دل زمانی». این مدخل در دو نسخه ترکی A و B با

عنوان مولانا غیاث‌الدین ثبت است و در دو نسخه فارسی C و D و تذکره‌عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۵/۲۹۹۴) با عنوان مولانا غیاث‌الدین محمد ضبط شده‌است.

- مولانا... (م ۳، ش ۱۸۲، ص ۷۲) از خوش‌طبعان رشید خراسان است. این مطلع ازوست: «کسی که صفحه روی تو در نظر دارد/ کی از مطالعه خواهد که چشم بردارد». این مدخل در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی و تذکره‌عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۷/۴۳۲۸) با عنوان مولانا ناصحی ثبت است.

- مولانا... (م ۳، ش ۲۱۹، ص ۷۹) از مشهد است و به جامه‌بافی مشغولی می‌نماید. این مطلع ازوست: «سرم آن به که ز سودای تو در پا باشد/ چون نبینم سر آنت که سر ما باشد». این مدخل در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی و تذکره‌عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۷/۴۳۲۸) با عنوان مولانا نجمی ثبت است.

افتادگی‌های مربوط به اشعار شاعران

نوایی در آوردن نمونه‌های شعری از شاعران، اغلب به ذکر یک یا دو بیت اکتفا کرده که در چاپ حکمت گاهی یکی از مصراع‌های برخی از این اشعار افتاده و جای آن خالی است. برخی از این افتادگی‌ها عبارتند از:

- از بیت مولانا حافظ پناهی (م ۹، ش ۴۲۵، ص ۱۴۷) تنها مصراع نخست آن چنین مذکور است: «به گلگشت چمن گر آید آن غنچه‌دهن بیرون»؛ این در حالی است که در دو نسخه فارسی C و D مصراع دوم این بیت چنین است: «نیاید گل ز خجلت تا قیامت از چمن بیرون» و در سه تذکره‌عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۲/۷۸۸)، ریاض‌الشعرا (۱۳۹۱: ۱/۲۵۴) و روز روشن (۱۳۴۳: ۱۳۹) چنین: «نیاید تا به سالی گل ز خجلت از چمن بیرون».

- از بیت مولانا مجلسی (م ۹، ش ۴۵۵، ص ۱۵۴) تنها مصراع نخست آن چنین مذکور است: «هر زمان گردی ز کوی دوست سر بر می‌کند»؛ این در حالی است که در دو نسخه فارسی C و D و سه تذکره‌عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۶/۳۹۱۱)، ریاض‌الشعرا (۱۳۹۱: ۲/۱۳۶۷) و روز روشن (۱۳۴۳: ۷۱۶) مصراع دوم این بیت چنین است: «تا کدام افتاده آنجا خاک بر سر می‌کند».

- از بیت مولانا وحیدی (م ۹، ش ۴۹۶، ص ۱۶۱) تنها مصراع نخست آن چنین مذکور است: «ز هجر روی تو آواره در جهان شده‌ام»؛ این در حالی است که در دو نسخه فارسی C و

D مصراع دوم این بیت چنین است: «چنانکه بود مراد تو آنچنان شده‌ام». در سه تذکره تحفه سامی (۱۳۸۹: ۱۸۷)، مجمع‌الفضلا (۵۹۹۶: ق. ۱۲۳) و هفت‌اقلیم (۱۳۸۹: ۱۰۸۱ / ۲) هم مدخلی درباره مولانا وحیدی مذکور است ولی بیت مورد نظر را ندارند.

- مصراع دوم از بیت دوم رباعی سلطان اسکندر شیرازی (م ۷، ش ۳۷۲، ص ۱۲۵-۱۲۴) چنین مذکور است: «تار مویک نیبک دکانین مبین / یا مصرفی یا حلبنی... یا رومی»؛ این در حالی است که مدخل سلطان اسکندر در نسخه B ترکی ذکر نشده و در نسخه فارسی C هم بیت دوم رباعی مذکور نیست. ولی در نسخه ترکی A مصراع دوم رباعی به درستی چنین ثبت شده: «یا مصر نی یا حلب نی یا رومی» و در نسخه فارسی D چنین: «یا مصرینی یا حلبنی یا رومی». دلیل بر درستی ضبط نسخه A این است که منظور شاعر در بیت مذکور این است که ارزش هر یک تار موی معشوق بالاتر است از مملکت‌های مصر و حلب و روم است.

مرزبندی افزوده‌های مترجم

یکی از ویژگی‌هایی که در کار ترجمه فخری حائز اهمیت است، اشعار و مطالبی است که مترجم به ترجمه متن ترکی افزوده‌است. حکمت برای تفکیک افزوده‌های فخری از ترجمه متن ترکی، چنین ذکر کرده: «روش این جانب در این مقابله و تصحیح آن بود که... آنچه که مترجمین [یعنی، فخری و قزوینی] الحاق کرده بودند ما بین [] گذاشته...» (امیر علی شیر نوایی، ۱۳۲۳: مقدمه، از؛ این در حالی است که حکمت عملاً کل متن فارسی را با متن ترکی مقابله نکرده و در همان بخش‌هایی هم که مقابله صورت گرفته، اشتباهاتی رخ داده؛ به تعبیری، برخی از بخش‌های متن فارسی که حکمت آنها را به عنوان افزوده مترجم مشخص کرده، در واقع افزوده مترجم نیست و از مؤلف است؛ در مقابل، برخی از بخش‌های متن که افزوده مترجم است، در چاپ حکمت مشخص نشده و جزء متن مؤلف پنداشته شده‌است. مشخص شدن دقیق ترجمه متن ترکی و تفکیک افزوده‌های مترجم از آن، به مخاطب کمک خواهد کرد که در کنار عقیده مؤلف درباره شاعران و اشعار آنها، با دیدگاه‌های مترجم هم آشنا شود.

افزوده‌ها

فخری علاوه بر ترجمه متن ترکی مجالس‌التفایس، مطالبی را از قول خود بر ترجمه افزوده. ولی این افزوده‌ها در چاپ حکمت از متن اصلی تفکیک داده نشده و مخاطب تصور می‌کند که

افزوده‌ها هم از مؤلف است، نه مترجم. برخی از این افزوده‌ها عبارتند از:
 - مدخل درویش منصور سبزواری (م ۲، ش ۶۱ ص ۳۳) در چاپ حکمت چنین آغاز شده:
 «در علم تصوف شاگرد حافظ‌علی جامی است که در تعریف او عقل قاصر است». در حالی که
 جملات مذکور در دو نسخه ترکی A و B وجود ندارد و افزوده مترجم است و بایستی طبق شیوه
 حکمت، داخل گروه درج شود.

- ذیل مدخل خواجه مؤید دیوانه (م ۲، ش ۶۶ ص ۳۵) در چاپ حکمت، چنین مذکور
 است: «و در نزد خویشان و مریدان این معنی [منظور ادعای سلطنت است] را ظاهر می‌ساخت و
 خراسان را بر ایشان بخش می‌کرد». در حالی که مطلب مذکور در دو نسخه ترکی A و B وجود
 ندارد و افزوده مترجم است و بایستی طبق شیوه حکمت، داخل گروه درج شود.

- ذیل مدخل مولانا شرف خیابانی (م ۱، ش ۸، ص ۱۱) در چاپ حکمت، چنین مذکور
 است: و در جواب آن بیت حضرت شیخ: «حاصل دریا نه همه در بود/ یک هنر از آدمی‌ای پر
 بود» هم نیک گفته: «بی هنری مایه صد غم بود/ صد هنر از آدمی‌ای کم بود». در حالی که
 مطالب و اشعار مذکور در دو نسخه ترکی A و B وجود ندارد و افزوده مترجم است و بایستی
 طبق شیوه حکمت، داخل گروه درج شود.

ناافزوده‌ها

اشکال دیگری که در کار حکمت در مرزبندی ترجمه متن اصلی و افزوده‌های مترجم وجود دارد،
 مطالبی است که حکمت آنها را افزوده مترجم پنداشته و داخل گروه قرار داده، در حالی که این
 مطالب از مؤلف است، نه مترجم. گاه این مطالب مشتمل است بر تمام محتوای یک مدخل و گاه
 مشتمل است بر بخشی از محتوای مدخل‌ها. برخی از مدخل‌هایی که حکمت آنها را افزوده
 مترجم دانسته، ولی متن آنها در دو نسخه ترکی A و B وجود دارد و از مؤلف است، عبارتند از:

- از آغاز مدخل مولانا سلامی (م ۳، ش ۱۶۷، ص ۶۹) تا آغاز مدخل مولانا قبولی قندری
 (م ۳، ش ۱۸۳، ص ۷۲).

- از آغاز مدخل مولانا طایری (م ۳، ش ۲۰۹، ص ۷۷) تا پایان مدخل مولانا عاصمی (م ۳،
 ش ۲۱۵، ص ۷۸).

- از آغاز مدخل مولانا هراتی (م ۳، ش ۲۲۵، ص ۸۰) تا پایان مدخل مولانا اهلی (م ۳، ش
 ۲۲۷، ص ۸۰).

- از آغاز مدخل شاه‌قلی یغور (م ۵، ش ۳۳۶، ص ۱۱۲) تا پایان مدخل بیگ‌قلی (م ۵، ش ۳۳۹، ص ۱۱۳).

- دو مدخل مولانا نقیبی (م ۳، ش ۱۸۷، ص ۷۲) و میر اسدالله (م ۴، ش ۲۹۰، ص ۹۷). علاوه بر آنچه ذکر شد، بخشی از محتوای مدخل‌ها هم در چاپ حکمت افزوده مترجم دانسته شده، در حالی که مطالب مذکور هم در دو نسخه ترکی A و B وجود دارد و از مؤلف است، نه افوده مترجم. برخی از این گونه موارد عبارتند از:

- ذیل مدخل مولانا کاتبی (م ۱، ش ۷، ص ۱۱-۱۰) در چاپ حکمت، چنین مطالبی داخل کروشه مذکور است: «[این فقیر را به خاطر می‌رسد که مولانا کاتبی را چندان سلیقه شعر بوده است که... در همه اسلوب شعر کسی به او غالب محض نیست]»؛ این در حالی است که مطالب فوق افزوده مترجم نیست، بلکه متن ترکی آن در دو نسخه ترکی A و B چنین ذکر شده: «بو فقیر نینک خیالیغه انداق کیلور کیم مولانا کاتبی دا شعر سلیقه سی آنچه بار ایکاندور کیم... اینک عصریدین بو کونکاجه غالب محض شعر نینک بارجه اسلوبی دا کیشی یوقتور».

- ذیل مدخل مولانا سائلی (م ۳، ش ۴۵۳، ص ۶۶) در چاپ حکمت، این معما افزوده مترجم دانسته شده: [به اسم «امان» این معما ازوست: «نگارم اشارت به لب می‌کند/ اگر دیده نامش طلب می‌کند»]. این در حالی است که معمای مذکور افزوده مترجم نیست، بلکه متن آن در دو نسخه ترکی A و B چنین است: امان اسمیغه بو معما اینک دور: «نگارم اشارت...».

- ذیل مدخل مولانا طوطی (م ۲، ش ۵۶، ص ۳۱) در چاپ حکمت، این مطلب افزوده مترجم دانسته شده: «[مؤلف کتاب، امیر علی شیر لفظ خروس جهت تاریخ وفات او پیدا کرده]»؛ این در حالی است که مطلب مذکور افزوده مترجم نیست و متن آن در دو نسخه A و B چنین است: «فقیر خروس لفظی بیله پیدا قیلیب ایردیم».

این عدم تفکیک و مرزبندی دقیق و به‌جای ترجمه متن ترکی و افزوده‌ها مترجم بر آن، در مدخل‌های دیگری هم در چاپ حکمت مشاهده می‌شود که برخی از آنها عبارتند از: مدخل مولانا شرف خیابانی (م ۱، ش ۸، ص ۱۱)، مدخل مولانا یحیی سبیک (م ۱، ش ۱۲، ص ۱۳)، مدخل مولانا عبدالقهار (م ۲، ش ۵۳، ص ۳۰) و...

مجهولات چاپ حکمت

یکی از موضوعات دیگری که در چاپ حکمت شایسته بحث است، مجهولاتی است که حکمت

در کار تصحیح با آن مواجه بوده‌است. این مجهولات که اغلب مربوط به حوزه معنایی عبارات است، در متن کتاب با علامت سؤال (?) مشخص شده، ولی با استفاده از نسخ چهارگانه می‌توان مجهولات مذکور را برطرف کرد. برخی از این مجهولات در چاپ حکمت عبارتند از:

- ذیل مدخل سید سربرهنه (م ۴، ش ۲۷۱، ص ۹۱): «... در آیام جوانی به عاقل کنگر تعلق پیدا کرد و از طریق صلاح و عافیت عنان نافته بازگردید و پیش صلوات جوان شد؟ و این رباعی را گفت...» در نسخه C به جای جمله «پیش صلوات جوان شد» چنین ثبت شده: «پیش صلوات جوار شد» و در نسخه D چنین: «پیش صلوات جوانان شد». در دو نسخه ترکی A و B نیز چنین مذکور است: «میر معرکه دا پیش صلواتی بولوب اتیقان». دشواری فهم این جمله در کلمه «صلوات» است که در نسخ چهارگانه به چند صورت ثبت شده و هر چند در منابع دیگر مانند: عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۳/۱۸۳۷-۱۸۳۶)، هفت‌اقلیم (۱۳۸۹: ۳/۱۶۱۹)، روز روشن (۱۳۴۳: ۴۳۳)، خلاصه‌الاخبار (۱۳۷۲: ۲۰۸-۲۰۷) به شرح احوال سید سربرهنه پرداخته شده ولی جمله مورد نظر ما در هیچ کدام از آنها وجود ندارد. حبیب‌السییر (۱۳۵۳: ۴/۳۲۲) تنها اثری است که این جمله به صورتی کمی معنادارتر، در آن چنین ثبت شده: «پیش صلات [جوان] شده». به تعبیری، سید سربرهنه از شدت عشق آن جوان زمان نمازش، روبه‌روی او آن رباعی را سروده‌است.

- ذیل مدخل میر مرتاض (م ۴، ش ۲۷۶، ص ۹۳-۹۲): «... در بحث لجاجتش بسیار است... بدین سبب ظرفا و خوش طبعان او را ولی شلاتین نیز می‌نامند و به مرتبه حریص شطرنج است که اگر حریفی به دستش افتد ازو خلاصی ندارد. القصه مسلّم است او را بساط (?)، این مطلع ازوست...». آنچه فهم این بند را دشوار کرده، جمله آخر یعنی «القصه مسلّم است او را بساط» است و ضبط نادرست کلمه شلاتین. ابهام مربوط به جمله مورد نظر چندان موجه نیست و ضبط دو نسخه فارسی C و D آن را روشن‌تر می‌کند: «القصه بساط او را مسلّم شده». به تعبیری، منظور این است که میر مرتاض در شطرنج مهارت داشته و پیروزی در بساط شطرنج برای او ثابت و محقق شده‌است. کلمه «شلاتین» هم در دو نسخه ترکی A و B و نسخه فارسی D به درستی به صورت «شلائین» ثبت شده و در نسخه C اشتباهاً به صورت «شلدین». شلائین در لغت به معنای افراط در ابرام و تقاضاست و شلائینی کسی است که بسیار در کاری اصرار کند (لغت‌نامه دهخدا. ۱۳۸۰) و این معنا با شخصیت میر مرتاض که بسیار لجوج توصیف شده، مطابقت دارد.

- ذیل مدخل امیر تیمور گورگان (م ۷، ش ۳۶۹، ص ۱۲۳): «... در سمرقند به عرض آن

حضرت چنین رسانیدند که او سه ندیم دارد و باعث شراب خوردن او ایشانند. بنا بر آن، حکم شد توأچی به میعاد رفته کسی را به حمایت بگذارد (؟) و در ساعت آن سه کس را سر از تن جدا ساخته به دارالفتح سمرقند آورد». ابهام معنایی در «حمایت بگذارد» است که فعل آن در دو نسخه فارسی C و D به درستی به صورت منفی «نگذارد» ثبت شده. زیرا طبق متن، مقرر شده که توأچی (جارچی و مأمور اجرای احکام سلطان) به میعادگاه برود و هیچ کس را به حمایت (به معنای پناه دادن، پشتیبانی کردن، مدد رساندن و به تعبیر امروزی پارتی‌بازی) باقی نگذارد و به قتل برساند.

ناهماهنگی میان دو ترجمه فخری و قزوینی

حکمت از ترجمه‌های فارسی مجالس‌النفایس دو ترجمه فخری و قزوینی را در خلال یک مجلد چاپ کرد. ولی ناهماهنگی و اختلاف میان این دو ترجمه تا حدی زیاد است که مخاطب را سردرگم می‌کند. گاه عنوان یک مدخل واحد در ترجمه فخری به گونه‌ای است و در ترجمه قزوینی به گونه‌ای دیگر. یک صورت شعر واحد هم گاه در یک ترجمه به گونه‌ای ثبت شده و در ترجمه دیگر به گونه‌ای دیگر. برخی از اختلافات مربوط به عنوان مدخل‌ها در دو ترجمه مورد نظر عبارتند از:

- در ترجمه فخری مدخلی با عنوان مولانا برندق (م ۱، ش ۳۱، ص ۱۹) مذکور است که در ترجمه قزوینی اشتباهاً با عنوان مولانا بایزید (ب ۱، ش ۲۹، ص ۱۹۳) ثبت شده؛ این در حالی است که مدخل مورد نظر در نسخ چهارگانه و تذکره‌هایی مانند: تذکره الشعراء دولت‌شاه (۱۹۱۸: ۳۷۱)، مجمع‌الفضلا (۵۹)، هفت‌اقلیم (۱۳۸۹: ۳ / ۱۶۱۰)، عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۲ / ۷۶۶)، مرآت‌الخیال (۱۳۷۷: ۵۱)، آتشکده آذر (۱۳۷۸: ۳۱۷) و روز روشن (۱۳۴۳: ۱۰۶) به درستی به مولانا برندق نسبت داده شده، نه مولانا بایزید.

- در ترجمه فخری مدخلی با عنوان مولانا مسیحی (م ۱، ش ۳۶، ص ۲۲) مذکور است که در ترجمه قزوینی اشتباهاً با عنوان مولانا شیخی (ب ۱، ش ۳۴، ص ۱۹۶) ثبت شده؛ این در حالی است که مدخل مورد نظر در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی و عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۶ / ۳۹۳۸) به درستی به مولانا مسیحی نسبت داده شده، نه مولانا شیخی.

- در ترجمه فخری مدخلی با عنوان مولانا قبری (م ۲، ش ۷۹، ص ۳۹) مذکور است که در ترجمه قزوینی اشتباهاً با عنوان مولانا قبری (ب ۲، ش ۷۷، ص ۲۱۳) ثبت شده؛ این در

حالی است که مدخل مورد نظر در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی و تذکرة الشعراء دولت‌شاه (۱۹۱۸: ۴۶۵)، مجمع‌الفضلا (۷۳: ۷۳)، هفت‌اقلیم (۱۳۸۹: ۲/ ۷۹۲)، عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۱۳۸۹/ ۶) و روز روشن (۱۳۴۳: ۶۶۶) به مولانا قنبری نسبت داده شده نه مولانا قبری.

- در ترجمه فخری مدخلی با عنوان مولانا عاصمی (م ۳، ش ۲۱۵، ص ۷۸) مذکور است که در ترجمه قزوینی اشتهاها با عنوان مولانا عاصی (ب ۳، ش ۲۰۳، ص ۲۵۴) ثبت شده؛ این در حالی است که مدخل مورد نظر در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی و عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۲۷۴۲/ ۵) به درستی به مولانا عاصمی نسبت داده شده ولی در فرهنگ سخنوران (۱۳۴۰: ۳۷۱) اشتهاها به مولانا عاصی.

- در ترجمه فخری مدخلی با عنوان مولانا فضل‌ی (م ۱، ش ۳۶، ص ۲۲) مذکور است که در ترجمه قزوینی اشتهاها با عنوان مولانا فیضی (ب ۱، ش ۳۴، ص ۱۹۶) ثبت شده؛ این در حالی است که مدخل مورد نظر در نسخ چهارگانه ترکی و فارسی و عرفات‌العاشقین (۱۳۸۹: ۳۲۱۸) تذکرة حسینی (۲۵۰: ۲۵۰)، الذریعه (بی‌تا، ۸۳۷/ ۹) و فرهنگ سخنوران (۱۳۴۰: ۴۵۰) به درستی به مولانا فضل‌ی نسبت داده شده، نه به مولانا فیضی.

این ناهماهنگی و خطا در ضبط عناوین شاعران در صفحات دیگری از چاپ حکمت هم وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: مولانا یحیی شیبیک (ب ۱، ش ۱۲، ص ۱۸۸ = م ۱، ش ۱۲، ص ۱۳)، مولانا صدرالدین مجذوب (ب ۲، ش ۴۸، ص ۲۰۲ = م ۲، ش ۵۰، ص ۲۸)، مولانا امیر (ب ۱، ش ۲۶، ص ۱۹۳ = م ۱، ش ۲۸، ص ۱۸) و...

نتیجه‌گیری

مجالس‌التفایس یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ ادبی سده نهم و اوایل سده دهم است که لطایف‌نامه یکی از ترجمه‌های مهم و مطرح آن است. لطایف‌نامه تا کنون دو بار تصحیح و منتشر شده که چاپ علی‌اصغر حکمت رایج‌ترین آنهاست. حکمت در سال ۱۳۲۳ با تکیه بر نسخه فارسی نخبوانی و سه نسخه ترکی دیگر به تصحیح لطایف‌نامه پرداخت. ولی همان طور که خود در مقدمه تصحیح خود اقرار کرده، تمام نسخی که در دسترس او بوده مغلوپ بوده‌اند. پس از گذشت ۷۰ سال از زمان تصحیح حکمت، اکنون دو نسخه فارسی از لطایف‌نامه و دو نسخه ترکی از مجالس‌التفایس شناسایی شده و در دسترس است که همگی این نسخ از نسخی که حکمت در کار تصحیح از آنها استفاده کرده، کهن‌تر و معتبرتر هستند. پس از بررسی و مقابله

این چهار نسخه نویافته با چاپ حکمت، روشن شد که:

- ۱- در نسخ نویافته گاه مدخل‌هایی درباره شاعران ذکر شده که در چاپ حکمت نشانی از آنها نیست. گاهی هم یک مدخل در این نسخ و چاپ حکمت ذکر شده، ولی در نسخ نویافته مطالب افزوده‌ای درباره شاعران و اشعار آنان ثبت شده که این اطلاعات در چاپ حکمت وجود ندارد. این افزوده‌ها بایستی در تصحیح مجدد لطایف‌نامه به متن اضافه شوند.
- ۲- گاه بین نسخ نویافته و چاپ حکمت اختلافاتی وجود دارد. این اختلافات اغلب یا مربوط به عنوان مدخل‌ها یا نام و تخلص شاعران است و یا مربوط به شخص شاعران و صورت ضبط اشعار آنان. اختلافات چاپ حکمت با نسخ نویافته، در حقیقت اشتباهات حکمت در تصحیح متن لطایف‌نامه است که با بررسی نسخ مذکور این اشتباهات برطرف خواهند شد.
- ۳- به نظر می‌رسد که اشتباهات موجود در نسخ حکمت، در نسخ مورد استفاده برخی از تذکره-نویسان پس از نوایی و فخری، مانند اوحدی بلیانی هم وجود داشته و این اشتباهات در آثار آنها هم رسوخ یافته‌است. اشتباهات مورد بحث با کمک نسخ نویافته و دیگر تذکره‌ها برطرف شدنی است.
- ۴- در چاپ حکمت افتادگی‌هایی وجود دارد که این افتادگی‌ها با گذاشتن چند نقطه مشخص شده‌اند و با مقابله با نسخ نویافته برطرف شدنی است. اغلب این افتادگی‌ها مربوط به نام و تخلص شاعران است. ولی در صورت اشعار شاعران هم مشاهده می‌شود.
- ۵- در چاپ حکمت میان ترجمه متن ترکی و افزوده‌های مترجم بر آن مرز دقیقی ترسیم نشده‌است. حکمت بخش‌هایی از متن لطایف‌نامه را در داخل گروه قرار داده و آنها را افزوده مترجم دانسته، در حالی که با مطالعه و مقابله متن فارسی با نسخ نویافته ترکی مجالس‌النفایس، روشن خواهد شد که بسیاری از این افزوده‌ها از مترجم نیست، بلکه از مؤلف است و در نسخ ترکی هم ذکر شده‌است. برعکس، بخش‌هایی از متن چاپ حکمت که در داخل گروه قرار نشده و از مؤلف دانسته شده، در واقع، افزوده مترجم است و متن آنها تنها در نسخ فارسی وجود دارد.
- ۶- در برخی از صفحات چاپ حکمت مجهولاتی وجود دارد که حکمت زمان تصحیح با آنها مواجه بوده و آنها را با علامت سؤال (?) مشخص کرده؛ این در حالی است که با بررسی و مقابله نسخ نویافته، این مجهولات برطرف شدنی است.
- ۷- حکمت دو ترجمه فخری و قزوینی را در خلال یک مجلد منتشر کرده، ولی به دلیل مغلو

بودن نسخی که از آنها استفاده کرده، گاه در دو ترجمه بین عنوان و محتوای برخی از مدخل‌ها ناهماهنگی و اختلاف وجود دارد. به تعبیری، گاهی محتوای یک مدخل واحد در ترجمه فخری به یک شاعر نسبت داده شده، ولی در ترجمه قزوینی محتوای همان مدخل به شاعر دیگری نسبت داده شده و هیچ هماهنگی و تناسبی بین دو ترجمه وجود ندارد.

یادداشت‌ها

- ۱- ارجاعاتی که پس از این، بعد از اسامی شاعران در متن مقاله ذکر خواهد شد، بر اساس چاپ حکمت تنظیم شده و در آنها «م»، یعنی مجلسی که مدخل شاعر مورد نظر در آن ذکر شده؛ «ش»، یعنی شماره مدخل مربوط به آن شاعر و «ص»، یعنی صفحه‌ای که مدخل در آن ذکر شده است.
- ۲- ناچار اشک و خون دل: C: ناچار و اشک خون دل.
- ۳- C: نداشت از D افزوده شد.
- ۴- ای شب غم: C: دیشب از غم: D: ای تب غم.
- ۵- خواجه: CD: استاد.
- ۶- بود: D: - بود.
- ۷- همی خواهم: A: نمی خواهم.
- ۸- زلفت عنبرآسا: C: زلف عنبرینت.
- ۹- سازم: D: پردازم.
- ۱۰- علی: CD: استاد علی.
- ۱۱- هم: D: - هم.
- ۱۲- بود: D: - بود.
- ۱۳- از روی... می شده: D: مصاحب.
- ۱۴- جمالش: C: جمالت.
- ۱۵- C: نداشت از D افزوده شد.
- ۱۶- C: نداشت از D افزوده شد.
- ۱۷- C: نداشت از D افزوده شد.
- ۱۸- درد: C: دور.
- ۱۹- طمغاجی: D: تمغاجی.
- ۲۰- کافرماجرا نیز هست: D: کارفرما نیز نیست.
- ۲۱- ابریشم رنگ: D: ابریشم‌گری.
- ۲۲- خطی: C: کلمه‌ای ناخوانا+ خط.

منابع

- آذربیدلی، لطف‌علی بیگ. (۱۳۷۸). *آتشکده آذر (نیمه دوم)*. به تصحیح میر هاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (بی تا). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. ج ۹. بیروت: دارالاضواء.
- امیر علی شیر نوایی، علی شیر بن کیچکنه. (۱۳۲۳). *مجالس‌التفایس*. به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: بانک ملی ایران.
- _____، _____، (ف. ۹۰۶ ق.). *مجالس‌التفایس*. پاریس: کتاب‌خانه ملی. نمره مسلسل Supplement Turc 317. [نسخه خطی] تألیف ۸۹۶ ق. تاریخ کتابت ۹۲۳ ق.
- _____، _____، (ف. ۹۰۶ ق.). *مجالس‌التفایس*. وین: کتاب‌خانه سلطنتی (ملی). نمره مسلسل N. F. 243. [نسخه خطی] تألیف ۸۹۶ ق. تاریخ کتابت ۹۰۳ ق.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد. (۱۳۸۹). *عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*. به تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد. ج ۷-۱. تهران: میراث مکتوب.
- بقایی بخاری، محمد عارف. (ز. ۱۰۱۹ ق.). *مجمع‌الفضلا*. تهران: کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران. نمره مسلسل

- ۶۵۴۶ [نسخه خطی] تألیف ۱۰۱۹-۹۹۶ ق. تاریخ کتابت سده ۱۳ ق [رونویسی از نسخه سده ۱۱].
- جویی، عطاملک. (۱۹۳۷). تاریخ جهانگشایی. به تصحیح محمد قزوینی. ج ۳. لیدن: بریل.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۵۳). حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. ج ۴. چ ۲. تهران: خیام.
- _____، _____ . (۱۳۷۲). مآثر الملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی. به تصحیح میر هاشم محدث. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۴۰). فرهنگ سخنوران. تبریز: چاپخانه شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان.
- درج ۳. کتابخانه الکترونیکی شعر فارسی. (۱۳۸۳). تهران: شرکت مهر ارقام رایانه. [CD ROM].
- دولت‌شاه سمرقندی، امیر دولت‌شاه بن علاء‌الدوله. (۱۹۱۸). تذکره الشعراء. به تصحیح ادوارد براون. لیدن: بریل.
- رازی، امین‌احمد. (۱۳۸۹). هفت‌اقلیم. به تصحیح سیدمحمدرضا طاهری. ج ۳-۱. تهران: سروش.
- سام‌میرزای صفوی. (۱۳۸۹). تحفه سامی. به تصحیح فاطمه انگورانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سنهلی مرادآبادی، میر حسین دوست. (۱۲۹۲ ق.). تذکره حسینی. لکهنو: نول کشور.
- صبا، محمدمظفر حسین. (۱۳۴۳). روز روشن. به اهتمام محمدحسین رکن‌زاده آدمیت. تهران: کتابخانه رازی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۴). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۴. چ ۳. تهران: فردوسی.
- علی صفی بیهقی، فخرالدین. (۱۳۵۲). لطایف‌الطوایف. به تصحیح احمد گلچین معانی. چ ۳. تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکا.
- فخری هروی، سلطان محمد. (ز. ۹۷۰ ق.). لطایف‌نامه. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. نمره مسلسل ۷۸۹۴. [نسخه خطی] ترجمه ۹۲۸ ق. تاریخ کتابت ۹۷۹ ق.
- _____، _____ . (ز. ۹۷۰ ق.). لطایف‌نامه. لندن: کتابخانه موزه بریتانیا. نمره مسلسل Add. 7669. [نسخه خطی] ترجمه ۹۲۸ ق. تاریخ کتابت ۹۶۵ ق.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۳). تاریخ تذکره‌های فارسی. ج ۲. تهران: کتابخانه سنایی.
- _____، _____ . (۱۳۶۹). کاروان هند. ج ۱. مشهد: آستان قدس رضوی.
- لغت‌نامه دهخدا. (۱۳۸۰). تهران: مؤسسه دهخدا. [CD ROM].
- لودی، شیرعلی‌خان. (۱۳۷۷). مرآت‌الخیال. به اهتمام حمید حسنی. تهران: روزنه.
- مبشر طرازی، نصرالله. (۱۹۶۶). فهرست المخطوطات الفارسیه "التي تقتنیها دارالکتب حتی عام ۱۹۶۳م". ج ۱. قاهره: دارالکتب.
- محمد بن لاد دهلوی. (۱۸۹۹). مؤیدالفضلا. چاپ سنگی. ج ۱. لکهنو: نول کشور.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۶). نزه‌القلوب. به اهتمام محمد دبیرسیاقی. بی‌جا: بی‌نا.
- _____، _____ . (۱۹۱۳). نزه‌القلوب. به اهتمام گای لیسترانج. لیدن: بریل.
- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی. ج ۲. تهران: کتابفروشی فروغی.
- واله داغستانی، علی‌قلی‌خان. (۱۳۹۱). ریاض‌الشعراء. به اهتمام ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری. ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- هاشمی سندیلوی، شیخ احمدعلی‌خان. (۱۹۹۴). مخزن‌الغرائب. به تصحیح محمدباقر. ج ۱. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- The Critical Edition Necessity of Fakhri Heravi's *Latayif-Namh* [First Translation of Navai's *Majalis-Almfayis*]